

اصلاح قانون اعطای تابعیت به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیر ایرانی: از تصویب تا مشکلات اجرایی و راهکارهای پیشنهادی

معاونت پژوهش‌های اجتماعی و فرهنگی
دفتر: مطالعات اجتماعی

کد موضوعی: ۲۱۰
شماره مسلسل: ۱۷۹۹۶
دی‌ماه ۱۴۰۰



شماره مسلسل: ۱۷۹۹۶	شناسنامه گزارش
<p>عنوان گزارش: اصلاح قانون اعطای تابعیت به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی: از تصویب تا مشکلات اجرایی و راهکارهای پیشنهادی</p> <p>نام دفتر: مطالعات اجتماعی تهیه و تدوین: سیدپیمان حقیقت طلب ناظران علمی: مریم جانقربان، فرشاد کرمی اظهار نظر کنندگان: افسانه خواجه صالحانی، سیدسجاد پادام ویراستار تخصصی: ندا جلالی ویراستار ادبی: —</p> <p>واژه‌های کلیدی: ۱. تابعیت ایرانی ۲. فرزندان مادر ایرانی ۳. بی‌شناسنامه‌ها ۴. بی‌تابعیتی</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۰/۲۱</p> 	

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده مدیریتی.....
۳.....	مقدمه.....
۴.....	چالش‌های شکل‌گرفته پیرامون ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی.....
۸.....	چالش‌های مرتبط با «زنان» ایرانی ازدواج کرده با مردان غیرایرانی.....
۹.....	مروری بر قوانین و آیین‌نامه‌های اجرایی پیرامون ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی.....
۱۸... ۱۳۹۸	مشکلات اجرایی قانون تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی؛ مصوب سال ۱۳۹۸.....
۲۵.....	راهکارهای پیشنهادی.....
۲۷.....	پیوست‌ها.....
۴۲.....	منابع و مأخذ.....



اصلاح قانون اعطای تابعیت به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی: از تصویب تا مشکلات اجرائی و راهکارهای پیشنهادی

چکیده مدیریتی

در چهل سال گذشته موج‌های مهاجرتی اتباع افغانستانی و عراقی، ایران را به یکی از کشورهای مهاجرپذیر جهان تبدیل کرده است. یکی از اتفاقاتی که با حضور اولین موج مهاجران در کشور ایران بسیار متواتر به وقوع پیوست و ادامه پیدا کرد، ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی بود. این ازدواج‌ها به‌خصوص در مناطق حاشیة شهرهای مختلف بسیار رواج پیدا کرد.

این ازدواج‌ها به‌دلیل قوانین اقامت و تابعیت ایران باعث بسیاری از مشکلات برای جمعیت نسبتاً بالایی از ساکنان کشور شده است. بزرگ‌ترین معضلات به‌وجود آمده به‌ترتیب اهمیت عبارتند از:

۱. عدم ثبت دقیق این ازدواج‌ها،
 ۲. بی‌شناسنامه‌گی فرزندان حاصل از این ازدواج‌ها،
 ۳. بی‌هویتی و بزرگ شدن فرزندان در تبعیض،
 ۴. محرومیت فرزندان از تحصیل، درمان، پوشش‌های حمایتی دولت و سایر خدمات شهروندی
- براساس پیمایش سال ۱۳۹۶ وزارت رفاه:

- بیش از ۶۱ درصد این خانواده‌ها جزء سه دهک فقیر جامعه ایران هستند،
- ۵۰ درصد این کودکان، هیچ مدرک هویتی حتی یک گواهی تولد هم ندارند (در سیستان و بلوچستان این نسبت به ۷۰ درصد می‌رسد)،
- ۴۶ درصد این فرزندان یا به مدرسه نرفته یا مجبور به ترک تحصیل زودهنگام شده‌اند،
- فقط ۳ درصد از این زنان و خانواده‌هایشان، تحت پوشش‌های نهادهای حمایتی همچون بهزیستی و کمیته امداد و... قرار دارند.

اعطای شناسنامه و تابعیت ایرانی به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی، بسیار تحت تأثیر سیاست‌های مهاجرتی ایران در چهل سال گذشته بوده است؛ به‌طوری که با استخراج فرایندهای اعطای شناسنامه در چهل سال اخیر، می‌توان مشاهده کرد که این فرایندها در ابتدای دهه ۱۳۶۰ بسیار ساده بودند و با گذشت زمان، در دهه ۱۳۸۰ پیچیده‌تر و غیرممکن شدند. در سال ۱۳۹۸

برای حل معضلات موجود ماده واحد «اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی» در مجلس شورای اسلامی تصویب و در مهرماه همان سال توسط شورای نگهبان تصویب و لازم‌الاجرا گشت. بیش از دو سال از لازم‌الاجرا شدن قانون گذشته است. طبق آخرین آمارهای اعلامی از سوی مدیرکل اداره امور اتباع و مهاجرین وزارت کشور تا پایان مهرماه ۱۴۰۰ از بین ۹۰ هزار متقاضی فقط ۵ هزار نفر موفق به دریافت شناسنامه شده‌اند. به عبارتی، با گذشت بیش از دو سال از لازم‌الاجرا شدن قانون، میزان اجرای آن حدود ۶ درصد بوده که حکایت از کندی بیش از حد اجرای قانون دارد.

بررسی‌های این گزارش نشان می‌دهد که عوامل زیر باعث کندی اجرای قانون و عدم تحقق اهداف اصلاح قانون شده است:

۱. اضافه شدن شرط وجود مدارک اقامتی پدر غیرایرانی توسط دفاتر کفالت اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی جهت تشکیل پرونده؛
در حالی که در متن قانون و آیین‌نامه اجرایی آن احراز غیرایرانی بودن پدر کافی دانسته شده، دستگاه‌های اجرایی مدرک اقامت قانونی پدر را نیز طلب می‌کنند که خود مانعی بزرگ در تشکیل پرونده و محرومیت از شناسنامه برای قشر عظیمی از فرزندان مادر ایرانی-پدر غیرایرانی شده است.
۲. محرومیت نسل دوم فرزندان مادر ایرانی بی‌شناسنامه از دریافت شناسنامه براساس آیین‌نامه اجرایی؛
براساس بند «۵» ماده (۱) آیین‌نامه اجرایی مادر ایرانی در حین تولد فرزند باید خود صاحب شناسنامه باشد. در تعدادی از متقاضیان مادر ایرانی خود بعد از تولد فرزند به شناسنامه دست یافته یا می‌یابد که این خود باعث محرومیت از شناسنامه شده است.
۳. حذف شرط مهلت زمانی برای استعلامات امنیتی در آخرین شیوه‌نامه اجرایی قانون؛
۴. ناتوانی خانواده‌های کم‌بضاعت از انجام آزمایش‌های تشخیص DNA و دریافت حکم اثبات نسب از دادگاه؛
۵. عدم اطلاع‌رسانی پیرامون لزوم ثبت ازدواج‌های شرعی؛
۶. مخالفت‌های درون‌دستگاهی و ممانعت از اجرای قانون.
با توجه به حساسیت‌های موجود، پیشنهاد می‌شود برای اجرای هر چه بهتر و بیشتر قانون، افراد با اولویت زیر و بدون فوت وقت در فرایند صدور شناسنامه با تأیید دستگاه‌های امنیتی قرار گیرند:

 - افرادی که براساس قانون قبلی درخواست تابعیت ایرانی داده بودند و پرونده آنها نزد نهادهای امنیتی کامل است.
 - افرادی که مدارک اقامتی حضور پدر آنان در سالیان گذشته در ایران تکمیل بوده و ازدواج مادرشان براساس ماده (۱۰۶۰) ثبت شده است.



- فرزندان مادر ایرانی- پدر غیرایرانی که براساس فرمان رهبری در سال ۱۳۹۲، از حق تحصیل در مدارس ایران برخوردار و پدران آنها به واسطه این تحصیل، دارای مدرک اقامتی شده‌اند و پرونده‌های آنان در وزارت آموزش و پرورش موجود است.

- دیگر متقاضیان که مدارک هویتی پدر آنان تکمیل نیست و نیاز به رأی دادگاه و بررسی‌های امنیتی بیشتری دارد.

به نظر می‌رسد اجرای قانون با تأکید بر اولویت گروه‌های مختلف یاد شده، عملی خواهد بود و در صورت سرعت گرفتن این فرایند و به حد معنادار رسیدن درصد موفقیت متقاضیان در دریافت شناسنامه، می‌توان در پژوهش‌های آتی، میزان تحقق اهداف قانون را نیز مورد بررسی قرار داد.

مقدمه

از آغاز انقلاب اسلامی، کشور ایران یکی از پیشروهای پذیرش مهاجران پناهنده در جهان بوده (ویلیکینسون^۱، ۱۹۹۷) به گونه‌ای که تعداد مهاجران افغانستانی و عراقی حاضر در کشور در برخی از سال‌ها به ۵ میلیون نفر هم رسیده است (آمار پناهندگان ایران،^۲ ۲۰۲۱-۱۹۶۲).

مهاجران افغانستان طی چهار دههٔ اخیر و چهار موج به ایران آمده‌اند؛ آغاز «موج اول» به سال ۱۳۵۸ و حمله شوروی به افغانستان برمی‌گردد. در این سال، جمهوری اسلامی ایران، سیاست درهای باز را پیشه کرد و مرزهای خود را به روی مهاجران افغانستانی کاملاً باز گذاشت. «موج دوم»، مربوط از سال ۱۳۶۸ با خروج شوروی از افغانستان و شروع درگیری‌های داخلی در افغانستان وارد ایران شد. «موج سوم» از سال ۱۳۷۳ با ظهور و قدرت گرفتن هرچه بیشتر طالبان در افغانستان شروع شد و در نهایت آغاز «موج چهارم» را باید در سال ۱۳۸۰ و حمله آمریکا به افغانستان جستجو کرد.

مهاجران عراقی نیز که زمانی تعدادشان در ایران بسیار بود، طی سه موج پناهندگی به ایران آمده‌اند؛ «موج اول» در سال ۱۳۵۰ و مناقشه بر سر جزایر سه‌گانه در خلیج فارس و اخراج ۵۰ هزار عراقی ایرانی‌الاصل از عراق به وقوع پیوست. «موج دوم» مربوط به سال ۱۳۵۹ و آغاز جنگ ایران و عراق بود که حدود یک میلیون شیعه پس از مصادره اموالشان در مرزهای ایران رها شدند. «موج سوم» به سال ۱۳۷۰، پس از وقایع انتفاضه شعبانیه و آغاز درگیری‌های سیاسی شیعیان عراق با دولت حاکم در شهرهای جنوبی عراق برمی‌گردد. در این سال‌ها، حدود ۵۰۰ هزار عراقی به ایران پناهنده شدند (حقیقت‌طلب و شهرابی‌فراهانی، ۱۳۹۷).

کشور ایران برخلاف اقدام سایر کشورهای جهان در پذیرش پناهندگان، این افراد را در اردوگاه‌های مرزی مستقر نکرد، بلکه با روی باز و در جوامع شهری و روستایی خود پذیرای آنان شد. حضور مهاجران از کشورهای همسایه، مسائل، فرصت‌ها و چالش‌های بسیاری را در کشور به وجود آورده است. مهاجران افغانستانی و عراقی، وارد شهرها و روستاهای ایران شدند و به سرعت به دلیل اشتراکات فرهنگی، دینی و حتی زبانی مشترک با جامعه ایران درآمیختند.

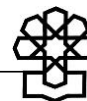
یکی از اتفاقاتی که با حضور اولین موج مهاجران در کشور ایران بسیار متواتر به وقوع پیوست و ادامه پیدا کرد، ازدواج زنان ایرانی با مردان افغانستانی و عراقی بود. این ازدواج‌ها به دلیل قوانین اقامت و تابعیت ایران، بعدها باعث بسیاری از مشکلات برای جمعیت نسبتاً بالایی از ساکنان کشور جمهوری اسلامی ایران شد که عدم ثبت دقیق این ازدواج‌ها و عدم صدور شناسنامه برای فرزندان حاصل از این ازدواج‌ها، یکی از بزرگ‌ترین معضلات موجود است. ضعف قوانین اقامت و تابعیت در ایران و عدم نظارت بر اجرای برخی از این قوانین منجر به چالش‌هایی مختلفی برای زنان ازدواج کرده با اتباع و فرزندان آنها شده که بستر شکل‌گیری برخی از آسیب‌های اجتماعی نیز گردیده است. فقر مطلق و بی‌مدرکی فرزندان مادر ایرانی - پدر غیرایرانی، باعث شده تا این افراد، بستری مناسب به منظور هرگونه آسیب اجتماعی باشند. تبدیل کودکان مادر ایرانی - پدر غیرایرانی به کودکان کار به دلیل غیرقابل رصد بودن آنان به راحتی صورت می‌گیرد و سودجویان به سادگی از آنان سوءاستفاده و برای انواع مقاصد شوم، بهره‌کشی می‌کنند (حقیقت‌طلب و شهراپی‌فراهانی، ۱۳۹۷).

چالش‌های شکل‌گرفته پیرامون ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی

چالش‌های مرتبط با «فرزندان» حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی - بی‌شناسنامه‌گی

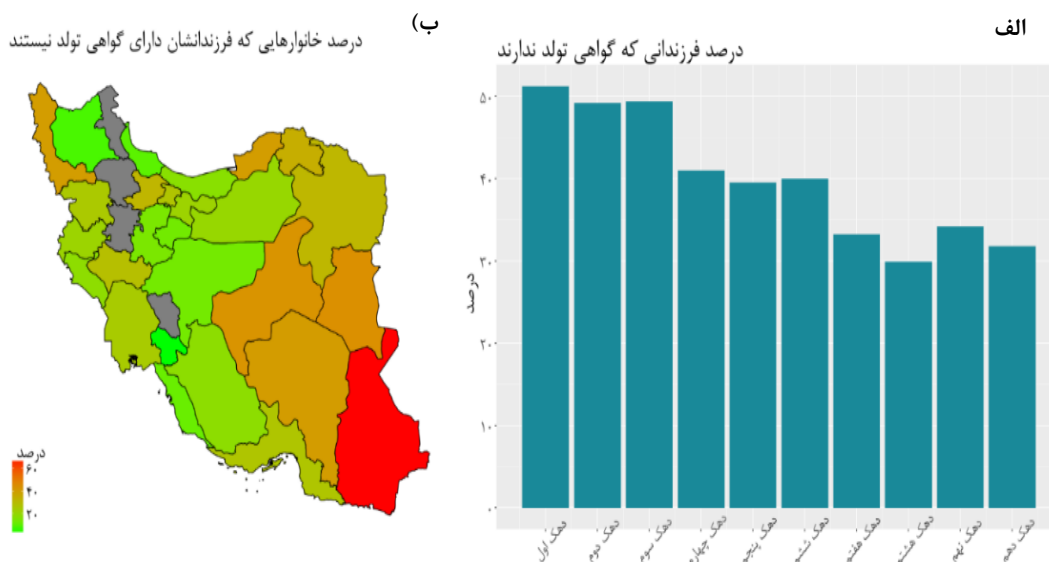
تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی، همواره یکی از چالش‌های سپهر سیاستگذاری ایران معاصر بوده است. مسئله اعطای شناسنامه به این فرزندان یا عدم اعطای آن، به رسمیت شناختن حق برخورداری از حقوق شهروندی در ایران یا ممانعت از آن و... باعث شده تا فرزندان حاصل از این ازدواج‌ها در خاک ایران تبدیل به یکی از گروه‌های فقیر جامعه ایران شوند و به دلیل محرومیت از داشتن شناسنامه، تبعیض‌های شدیدی را تجربه کنند و در چرخه فقر، روزگارشان بد و بدتر شود (حقیقت‌طلب و شهراپی‌فراهانی، ۱۳۹۷).

یکی از مهم‌ترین معضلات خانوارهای زنان دارای همسر غیرایرانی، دریافت گواهی تولد و کسب مدرکی دال بر هویت ایرانی برای فرزندان آنان است. درصد قابل توجهی از خانوارها به دلیل مسائل قانونی، موفق به اخذ گواهی تولد یا شناسنامه ایرانی برای فرزندان‌شان نمی‌شوند.



شکل ۱، درصد فرزندان و خانوارهای فاقد گواهی تولد را نشان می‌دهد (تیم ارتقای عملکرد دفتر مطالعات رفاه اجتماعی معاونت رفاه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۷).

شکل ۱. درصد فرزندان فاقد گواهی تولد



استان‌هایی که به رنگ خاکستری هستند به دلیل کم بودن تعداد نمونه‌ها در این تحلیل در نظر گرفته نشده‌اند.

نتایج سرشماری وزارت رفاه در سال ۱۳۹۶، نشان می‌دهد حدود ۴۶ درصد فرزندان، موفق به اخذ گواهی تولد نشده‌اند که از این میان، بیشترین سهم متعلق به خانوارهای دهک‌های پایین رفاهی است. در سه دهک پایین، حدود ۵۰ درصد از کودکان و نوجوانان اصلاً گواهی تولد ندارند. در همین راستا، اطلاعات مربوط به درصد فرزندان فاقد گواهی تولد در خانوارهای مورد نظر که در یک دهک رفاهی قرار دارند، همچنین درصد فرزندانانی که گواهی تولد ندارند یا به عبارت دیگر؛ نسبت تعداد فرزندانانی که گواهی تولد ندارند به تعداد کل فرزندان این خانوارها در هر استان را می‌توان در شکل ۱ مشاهده کرد. بنابر نتایج، بیشترین درصد فرزندان بدون گواهی تولد مربوط به افراد مقیم استان‌های شرقی کشور است؛ به‌گونه‌ای که در استان سیستان و بلوچستان، بیش از ۶۰ درصد فرزندان مادر ایرانی- پدر غیرایرانی، اصلاً گواهی تولد ندارند یا در استان‌های کرمان، یزد و خراسان جنوبی، ۵۰ درصد این کودکان فاقد گواهی تولد هستند (تیم ارتقای عملکرد دفتر مطالعات رفاه اجتماعی معاونت رفاه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۷).

- بی‌هویتی

یکی از معضلاتی که این افراد در طول دهه‌های اخیر با آن مواجه بوده‌اند، نامعلوم بودن هویت در کشور است. از یکسو به دلیل ضعف قوانین و تصمیم‌های قانونگذاران، این افراد با وجود تولد و بزرگ شدن در خاک ایران، ایرانی به‌شمار نیامده و ازسویی دیگر به دلایل گوناگون از کسب تابعیت پدری خود نیز محروم مانده‌اند؛ به عبارت دیگر، از یکسو به دلیل داشتن مادر ایرانی و بزرگ شدن در فرهنگ ایران، خود را ایرانی می‌دانند و ازسوی دیگر به دلیل پدر غیرایرانی و نداشتن شناسنامه ازسوی جامعه، خارجی و غیرایرانی به‌شمار می‌آیند. در حقیقت «نه ایرانی و نه خارجی بودن»، وضعیت عدم تعلق شدیدی را در این فرزندان و افراد ایجاد کرده است؛ عدم تعلقی که در بحران‌های اجتماعی، می‌تواند زمینه‌ساز مشکلاتی عمیق شود (معاونت رفاه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و گروه پژوهش انجمن، ۱۳۹۹).

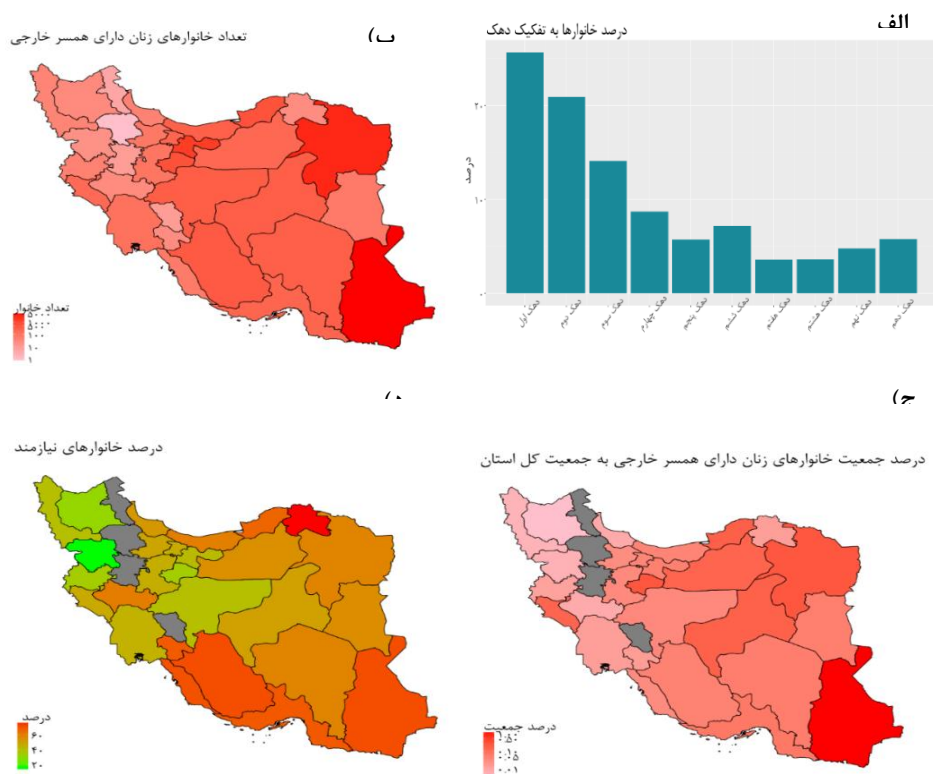
- فقر و تنگدستی شدید

به گواه آمارهای موجود نظیر پیمایش سال ۱۳۹۶ پیرامون خانواده‌های زنان دارای همسر غیرایرانی، بیشتر این ازدواج‌ها، میان زنان ایرانی از طبقات پایین جامعه و مردان مهاجر رخ داده است (گزارش اطلاعات دموگرافیک و پوشش‌های حمایتی خانوارهای زنان دارای همسر خارجی، ۱۳۹۷). در حقیقت این ازدواج‌ها باعث ایجاد خانواده‌هایی فقیر شده، به گونه‌ای که فرزندان حاصل نیز به تبع در فقر شدید بزرگ می‌شوند. از یکسو به دلیل نداشتن مدارک هویتی از دریافت امکانات اولیه شهروندی محروم می‌مانند و ازسوی دیگر به علت ایرانی به‌شمار نیامدن، از تمامی چترهای حمایتی ارائه شده توسط حاکمیت نظیر کمیته امداد، بهزیستی و... بهره‌ای نمی‌برند. می‌توان ادعان داشت که این افراد نه تحت حمایت قرار می‌گیرند و نه امکان رها شدن از فقر را پیدا می‌کنند، بنابراین در چرخه فقر افتاده و به وضعیت فقر مطلق دچار می‌شوند. گواه این وضعیت این است که بسیاری از فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی (به خصوص دختران)، همانند مادر خود دوباره با یک فرد غیرایرانی ازدواج و مشکل بی‌شناسنامه‌گی و فقر مطلق خود را موروثی می‌کنند.

اطلاعات مربوط به ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی در شکل ۲ نشان داده شده است (تیم ارتقای عملکرد دفتر مطالعات رفاه اجتماعی معاونت رفاه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۷).



شکل ۲. درصد خانوارها به تفکیک استان و دهک، تعداد خانوارها در استان، درصد جمعیت افراد خانوارهای زنان دارای همسر غیرایرانی به جمعیت کل استان و درصد خانوار زنان دارای همسر غیرایرانی نیازمند (استان‌هایی که به رنگ خاکستری هستند به دلیل کم بودن تعداد در این تحلیل در نظر گرفته نشده‌اند)



استان‌هایی که به رنگ خاکستری هستند به دلیل کم بودن تعداد در این تحلیل در نظر گرفته نشده‌اند.

براساس گزارش بررسی وضعیت خانوارهای زنان دارای همسر غیرایرانی در سال ۱۳۹۶، بیشتر خانواده‌های شامل زن ایرانی و مرد غیرایرانی، مربوط به دهک‌های پایین اقتصادی جامعه است. با در نظر گرفتن خانوارهای سه دهک پایین به عنوان خانوار نیازمند، در حدود ۶۰/۷ درصد خانوارهای زنان دارای همسر غیرایرانی در گروه نیازمندان (سه دهک پایین) قرار می‌گیرند. تعداد افراد و خانوارهای زنان دارای همسر غیرایرانی در استان‌های مرزی شرقی مانند خراسان رضوی، سیستان و بلوچستان و همچنین در استان پرجمعیت تهران، بیشتر است. علاوه بر این نسبت جمعیتی این خانوارها به جمعیت کل نیز در استان‌های شرقی و جنوبی، بیشتر از دیگر مناطق است.

یکی دیگر از مشکلات این خانوارها، فقر آموزشی فرزندان و عدم بهره‌مندی از خدمات آموزشی عمومی است. نتایج این تحلیل نشان می‌دهد که نزدیک به ۴۵/۵ درصد فرزندان این خانوارها یا اصلاً به مدرسه نرفته یا پس از ثبت‌نام در مدارس، مجبور به ترک تحصیل شده‌اند. در مجموع تنها ۲۵ درصد از

این کودکان که بیشتر آنها کمتر از ۱۸ سال دارند، مشغول به تحصیل‌اند. درصد بالای ترک تحصیلی‌ها و بازمانده از تحصیل‌ها در این خانواده‌ها، گواه تشدید فقر آنها در آینده است.

چالش‌های مرتبط با «زنان» ایرانی ازدواج کرده با مردان غیرایرانی

- عدم رسمیت، بستری برای سوءاستفاده و جرم

چنان‌که درخصوص کودکان عدم رسمیت و داشتن مدارک بستری برای آسیب‌های اجتماعی و جرم فراهم کرده بود، درخصوص زنان نیز این مسئله مصداق دارد و عدم ثبت رسمی ازدواج زنان ایرانی با اتباع، بستری جرم‌خیز شده است. البته این ضررها تنها متوجه زنان ایرانی نیست و گاهی در پی ازدواج زن ایرانی با مرد اتباع، ضررهایی متوجه این مردان می‌شود؛ به عبارتی دیگر، برخی اتباع که هیچ‌گونه مدرک هویتی ندارند، از حق ثبت دارایی‌ها به نام خود بی‌بهره می‌مانند. این افراد دارایی‌های خود (خانه، ماشین، حساب بانکی و...) را به نام زن ایرانی‌شان ثبت می‌کنند؛ در مواردی پیش آمده که همسر ایرانی، تمام دارایی‌ها را تصاحب کرده و مرد افغانستانی نیز به دلیل حضور غیرقانونی در کشور، رد مرز شده است. در حقیقت برای برخی زنان ایرانی، یکی از راه‌های کلاهبرداری، ازدواج با یک مرد افغانستانی به‌شمار می‌آید. از آنجایی که بعضی از مردان افغانستانی به دلیل حضور غیرقانونی، امکان شکایت از مجاری رسمی را ندارند، اقدام به انتقام‌گیری شخصی می‌کنند و جرم و جنایت ایجاد می‌شود (حقیقت‌طلب و شهربانی‌فراهانی، ۱۳۹۷).

- مهاجرت اجباری زن ایرانی به افغانستان

بنابر آخرین سرشماری نفوس و مسکن ایران در سال ۱۳۹۵، بیش از ۹۵ درصد از اتباع غیرایرانی حاضر در ایران افغانستانی به‌شمار می‌آیند (سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۹۵). این نسبت در سرشماری‌های سالیان پیش نیز وجود داشته، به همین دلیل بخش اعظمی از مسئله مهاجران در ایران مربوط به مهاجران افغانستانی است. در برخی موارد، زنان ایرانی به دلایل مختلف (مشکلات تابعیت فرزندان در ایران، فقر مطلق خانواده، اخراج همسر افغانستانی از کشور ایران و...) همراه با همسر خود به اجبار به افغانستان مهاجرت کرده‌اند. در این شرایط، زندگی در کشوری که همچنان به ثبات نرسیده، برای این زنان بسیار سخت است (نیسی، ۱۳۸۴). همچنین، فرزندان آنها که در ایران به دنیا آمده‌اند نیز از شرایط زندگی مطلوبی در افغانستان برخوردار نیستند (بنی‌یعقوب، ۱۳۹۴: ۲۴۰-۲۲۷).

- عدم مسئولیت‌پذیری شوهر و افزایش زنان سرپرست خانوار در کشور

در برخی موارد، اتباع خارجی تنها با انگیزه اخذ مجوز اقامت با زنان ایرانی ازدواج کرده‌اند، پس از چندین سال زندگی با همسر ایرانی‌شان و حتی با وجود چندین فرزند، تمامی امور را رها کرده و به کشورشان برگشته‌اند یا ممکن است همسر غیرایرانی فوت کرده باشد. زن ایرانی نیز به دلیل اینکه برای ازدواج با



تبعه خارجی از دولت اجازه نگرفته، ازدواجش غیرقانونی به‌شمار می‌رود^۱ و از هیچ حمایتی از سوی دولت ایران برخوردار نیست. در این شرایط، زن ایرانی با یک ازدواج ثبت‌نشده غیرقانونی، چندین کودک بدون شناسنامه و بدون هیچ حمایتی، به‌صورت سرگردان در اجتماع درمی‌آید. در حقیقت عدم حمایت حاکمیت از چنین خانواده‌هایی باعث غرق شدن این زنان در چرخه‌هایی از فقر و فلاکت و ایجاد آسیب‌های اجتماعی متعدد می‌شود

– مشکلات زنان ایرانی ازدواج کرده با مردان غیرایرانی در خارج از کشور

زنان ایرانی که در خارج ایران با مردان غیرایرانی ازدواج کرده‌اند، نیز دارای مشکلاتی هستند، اگرچه برای این افراد، مشکلات مربوط به بی‌شناسنامه‌گی، بی‌تابعیتی، بی‌مدرکی و... در خارج از کشور محلی از اعراب ندارد و فرزندان این زنان به تابعیت پدر غیرایرانی یا محل تولد فرزند (با توجه به سیستم تابعیت کشور محل اقامت زن ایرانی) درمی‌آیند و از چتر حمایتی کشور پدیری یا کشور محل اقامت بهره‌مند می‌شوند، اما مشکل فرزندان این زنان، اجبار به دریافت ویزا برای ورود و رفت‌وآمد به ایران است؛ زیرا این فرزندان، اتباع خارجی محسوب شده و برای ورود به ایران و رفت‌وآمد حتماً باید ویزا دریافت کنند.

مروری بر قوانین و آیین‌نامه‌های اجرایی پیرامون ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی

اعطای شناسنامه و تابعیت ایرانی به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی، بسیار تحت تأثیر سیاست‌های مهاجرتی ایران در چهل سال گذشته بوده است؛ به‌طوری که با استخراج فرایندهای اعطای شناسنامه در چهل سال اخیر، می‌توان مشاهده کرد که این فرایندها در ابتدای دهه ۱۳۶۰ بسیار ساده بودند و با گذشت زمان، پیچیده‌تر و غیرممکن‌تر شدند.^۲

در سالیان اخیر افزایش معضلات اجتماعی ناشی از قوانین جاری حاکم بر این ازدواج‌ها، دستگاه‌های اجرایی کشور را بر آن داشت تا با اصلاح قانون تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی، گام‌هایی را در راستای کاهش فقر مطلق و رفع مشکل بی‌شناسنامه‌گی و معضلات اجتماعی اشاره شده در بالا بردارند.

در گزارش پیش‌رو، ابتدا معضلات ناشی از ماده‌واحد تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی مصوب سال ۱۳۸۵ مجلس شورای اسلامی و فرایندهای آن تشریح و

۱. در ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی چنین آمده است: «ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه در مواردی هم که مانع قانونی ندارد، موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است». طبق آیین‌نامه اجرایی این ماده از قانون مدنی، کسب اجازه مخصوص از طرف دولت نیز شامل یک فرایند ۱۲ مرحله‌ای است که تعداد زیادی از ازدواج‌های زنان ایرانی با مردان غیرایرانی موفق نمی‌شوند، تمامی مراحل را بگذرانند، بدین ترتیب مجوز صادر نمی‌شود و ازدواج غیرقانونی به‌شمار می‌رود. در پیوست ۲، مراحل این فرایند به‌صورت شماتیک بیان شده است.

۲. در بخش پیوست‌ها، فرایندهای اعطای شناسنامه در نیمه اول دهه ۱۳۶۰، نیمه دوم دهه ۱۳۶۰، دهه ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ به‌صورت شماتیک آورده شده و بیانگر به‌تدریج پیچیده‌تر و ناممکن‌تر شدن دریافت شناسنامه از سوی فرزندان مادر ایرانی است. علت پیچیده‌تر شدن فرایند طی دهه‌های اخیر در گزارش «فرزندان حاصل از ازدواج بانوان ایرانی با اتباع خارجی: بررسی مشکلات، مسائل و ارائه راهکارها» که توسط دفتر سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در آبان‌ماه سال ۱۳۹۷ منتشر شد به‌صورت دقیق بررسی شده است.

سپس جزئیات روند تغییر قانون در سال ۱۳۹۸ ذکر می‌شود. در ادامه نیز چالش‌های اجرای قانون تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تغییر قانون در سال ۱۳۹۸ با هدف کاهش آسیب‌های اجتماعی و نجات فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی از چرخه فقر مطلق، رخ داد، اما همان‌طور که در ادامه گزارش بیان می‌شود، روند کند اجرای قانون در عمل، امکان بررسی محقق شدن این هدف را سلب کرده، از این‌رو، گزارش حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که چه عواملی مانع از اجرای قانون و تحقق اهداف آن شده است.

ماده واحده تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی؛ مصوب سال ۱۳۸۵

اعطای شناسنامه به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی در چند دهه اخیر، بسیار تحت تأثیر سیاست‌های مهاجرتی کشور ایران بوده است. در دهه ۱۳۶۰، سیاست ایران برای مهاجران ورودی به کشور، سیاست درهای باز و پذیرش مهاجران و به تبع آن، فرایند اعطای شناسنامه به فرزندان مادر ایرانی - پدر غیرایرانی، بسیار ساده بود. در دهه ۱۳۷۰، این فرایند هم‌زمان با اتخاذ سیاست بازگشت مهاجران به کشور خودشان از سوی حاکمیت کمی پیچیده و دشوار شد. آغاز دهه ۱۳۸۰، مصادف با سقوط طالبان در افغانستان در سال ۲۰۰۱ شد. با این اتفاق، سیاست کلی جمهوری اسلامی ایران در برابر مهاجران به گونه‌ای شد که دیگر، هیچ توجیهی برای ماندن افغانستانی‌ها در ایران باقی نماند، از این‌رو، فشارها برای خروج مهاجران افغانستانی از ایران افزایش پیدا کرد و به تبع آن، فشارها بر زنان ایرانی ازدواج کرده با این مهاجران ازدواج فرزندان حاصل از این ازدواج نیز بیشتر شد.

مسئولان وزارت کشور اعلام کردند که برای خروج زنان ایرانی همراه با شوهران و فرزندان افغانی خود به افغانستان، هیچ مشکلی وجود ندارد و به این ترتیب به‌طور تلویحی با اشاره به قانون تابعیت افغانستان که زن خارجی‌ای که با مرد افغانستانی ازدواج کرده بود را تبعه افغانستان به‌شمار می‌آورد و عملاً زمینه‌های لازم برای فرستادن زنان ایرانی به افغانستان آماده شد. در سال ۲۰۰۲، قانون تابعیت کشور افغانستان تغییر کرد و طبق قانون جدید، تابعیت مرد افغانستانی قابل تحمیل به همسر غیرافغانستانی خود نبود، از این‌رو، زنان ایرانی در عمل به لحاظ تابعیتی دچار وضعیت نامعلومی شدند (بی‌نا، ۱۳۸۰).

با توجه به وضعیت زندگی زنان ایرانی در کشور افغانستان، دولت در آن زمان کوشید تا اقداماتی انجام دهد. اولین اقدام؛ کنار گذاشتن مردان افغانستانی که زن ایرانی داشتند از الویت‌های بازگشت به افغانستان بود. در آبان ۱۳۸۱، طرحی از سوی فراکسیون زنان مجلس، مبنی بر اعطای اجازه اقامت دائم به همسران غیرایرانی زنان ایرانی، تقدیم مجلس شد تا به این شیوه زنان ایرانی و فرزندان‌شان، مجبور به مهاجرت اجباری نشوند. اما این طرح در گروه اجتماعی مجلس رد شد (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲: ۳۳).



ازسوی دیگر، آیین‌نامه «رویه شناسایی مشکوک‌التابعین و مدعیان تابعیت ایران» در ۱۱ فروردین‌ماه ۱۳۸۳ به تصویب رسید. این آیین‌نامه، نیروی انتظامی را موظف می‌کرد تا در طرح شناسایی، ساماندهی و جمع‌آوری اطلاعات رایانه‌ای مدعیان تابعیت ایرانی با وزارت کشور، وزارت اطلاعات، وزارت امور خارجه، دادگستری و ثبت‌احوال همکاری کند. با تصویب این آیین‌نامه، دیگر تقریباً هیچ زن ایرانی، نمی‌توانست به استناد نامعلوم بودن شوهر یا موقت بودن ازدواج و خودداری شوهر از گرفتن شناسنامه برای فرزندی که از مردی افغانی داشت، شناسنامه بگیرد؛ زیرا چنانچه ازدواج او در کامپیوترهای دولتی ثبت نشده بود، نیروی انتظامی، مأمورانش را برای تحقیق محلی می‌فرستاد و به‌جای صدور شناسنامه، فرزند او را وارد فهرست افراد مشکوک‌التابعه می‌کرد (آیین‌نامه رویه شناسایی مشکوک‌التابعین و مدعیان تابعیت ایران، ۱۳۸۳).

در مردادماه ۱۳۸۵، ماده‌واحد‌ای در مجلس شورای اسلامی تصویب شد تا تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی را تعیین تکلیف کند. براساس این ماده‌واحد «فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی که در ایران متولد شده یا حداکثر تا یک سال پس از تصویب این قانون در ایران متولد می‌شوند، می‌توانند بعد از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام، تقاضای تابعیت ایرانی کنند. این افراد در صورت نداشتن سوء‌پیشینه کیفری یا امنیتی و اعلام رد تابعیت غیرایرانی به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند». در حقیقت با تصویب این ماده‌واحد، اعطای تابعیت به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی منتفی شد؛ زیرا آنها پس از رسیدن به سن ۱۸ سال، تنها حق تقاضای تابعیت ایرانی را به‌دست می‌آورند.

این ماده‌واحد، شرایط اولیه زندگی برای فرزندان حاصل از این ازدواج را از قبل هم دشوارتر ساخت؛ قبل از تصویب ماده‌واحد یاد شده، آنها کارت اقامت می‌گرفتند و حق تحصیل، استفاده از امکانات آموزشی، معیشتی و خدمات درمانی داشتند اما بعد از تصویب این ماده‌واحد، دیگر از حق داشتن کارت اقامت پناهندگی بی‌بهره هستند و تنها حق دارند تا سن ۱۸ سالگی در کشور ایران اقامت داشته باشند. پس از تصویب قانون مذکور، وزارت کشور دستورالعملی نوشت که براساس آن، فرزندان زنان ایرانی که به سن ۱۸ سال رسیده و می‌خواستند تابعیت ایران را کسب کنند، باید مدارکی مبنی بر ثبت ازدواج پدر و مادر ارائه می‌دادند و اگر مدرکی موجود نبود -که در بیشتر موارد این‌گونه بود- پدر باید از سفارت افغانستان گذرنامه می‌گرفت، از ایران خارج می‌شد و بعد به شکل قانونی و با ویزایی که به اعتبار ایرانی بودن همسرش صادر شده بود، وارد ایران می‌شد. تنها پس از طی این روند، پدر و مادر می‌توانستند درخواست ثبت ازدواج کنند. با اینکه بسیاری از افغان‌ها، روند موجود را طی کردند تا فرزندان‌شان در ۱۸ سالگی به تابعیت ایران دربیایند، اما تعداد قابل‌توجهی از آنان، هیچ‌گاه نتوانستند به ایران بازگردند. فرایندهای کسب تابعیت برای فرزندان مادر ایرانی در شکل ۳ قابل مشاهده است.



آنها تنها در صورتی که پدرشان مدرک اقامتی معتبری می‌داشت، می‌توانستند به‌عنوان یک مهاجر از امکانات ایرانی استفاده کنند و در صورتی که پدر، فاقد مدرک اقامت معتبر بود یا وی حضور نداشت، به‌هیچ وجه حق برخورداری از امکانات آموزشی و بهداشتی و درمانی و... را نداشتند. با توجه به سیاست‌های مهاجرتی ایران، تعداد فراوانی از پدران این افراد، بدون مدرک اقامتی معتبر بودند و جمعیت بالایی از فرزندان آنان از تمامی حقوق شهروندی محروم شدند.^۱

• مراجعه فرزندان حاصل از ازدواج زن ایرانی با مرد غیرایرانی برای دریافت شناسنامه پس از ۱۹ سالگی و محروم ماندن آنها؛

این افراد بعد از ۱۸ سالگی، تنها به مدت یک سال، مهلت درخواست شناسنامه داشتند و بسیاری از آنان به دلیل ناآگاهی بعد از ۱۹ سالگی مراجعه می‌کردند، از این‌رو، موفق نشده و تا پایان عمر از دریافت شناسنامه محروم می‌ماندند.

• دشوار و طولانی بودن پروسه ثبت ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی و تبعات آن؛
تشکیل پرونده درخواست شناسنامه، موکول بر ثبت ازدواج پدر و مادر براساس ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی شده بود. فرایند پیچیده ثبت ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی در بسیاری موارد، بیش از یک سال طول می‌کشید و به این ترتیب، فرد به سن بالای ۱۹ می‌رسید و محروم از دریافت شناسنامه می‌شد.

• اجباری بودن ترک تابعیت از سرزمین پدری؛
بسیاری از این افراد، ابتدا باید تابعیت سرزمین پدری خود را کسب می‌کردند تا بتوانند تا قبل از ۱۸ سال در ایران اقامت داشته باشند و بعد از ۱۸ سالگی، باید فرایند ترک تابعیت را طی می‌کردند. این روند در مورد کشوری چون افغانستان، حداقل سه تا چهار سال زمان می‌برد و طولانی شدن فرایند، باعث از دست رفتن طلایی‌ترین سال‌های زندگی این افراد می‌شد.

• لزوم صدور پروانه اقامت پس از ثبت ازدواج با اعلام وزارت کشور برای پدر غیرایرانی از سوی نیروی انتظامی؛
این نوع پروانه اقامت، یکی از قابل‌اطمینان‌ترین انواع کسب اقامت در ایران بود و باعث تشویق به ازدواج‌های میان زنان ایرانی و مردان غیرایرانی شد.

در عمل با اجرایی شدن ماده‌واحد سال ۱۳۸۵، فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی از دریافت تابعیت و شناسنامه ایرانی محروم شدند و تنها پدران غیرایرانی آنها، مجوز اقامت در ایران را کسب کردند. پس از گذشت چند سال، افزایش ازدواج‌ها و افزایش جمعیت کودکان بدون مدرک

۱. یافته‌های گزارش «بررسی وضعیت خانوارهای زنان دارای همسر خارجی» که بر پایه پیمایش اجراشده توسط معاونت رفاه وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی در سال ۱۳۹۷ منتشر شده است به شرح ذیل است:

- ۶۱ درصد از این خانواده‌ها، متعلق به سه دهک پایین جامعه ایران هستند.
- ۵۰ درصد این کودکان، هیچ مدرک هویتی حتی یک گواهی تولد هم ندارند.
- ۴۶ درصد این فرزندان یا به مدرسه نرفته یا مجبور به ترک تحصیل شده‌اند.
- فقط ۲ درصد از این زنان و خانواده‌هایشان، تحت پوشش‌های نهادهای حمایتی همچون بهزیستی و کمیته امداد و... قرار دارند.
- این پیمایش در سال ۱۳۹۶، با سرشماری ۱۶ هزار خانواده و شناسایی ۴۸ هزار کودک بی‌شناسنامه در نقاط مختلف ایران انجام شده بود.

حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی، وضعیت بغرنجی را به وجود آورد. بزرگ شدن این افراد در فقر مطلق و بی‌مدرک بودنشان، همانند تردد خودروهای بدون پلاک در سطح جاده‌ها بود؛ به عبارتی جامعه‌ی ایران شاهد رشد جمعیتی شد که به دلیل فقر و تبعیض روا داشته شده، مطرود و پر از حس بی‌عدالتی، بغض و به صورت بالقوه تبدیل به یک خطر امنیتی غیرقابل رصد و پیگیری شدند.

مقایسه ماده‌واحدده سال ۱۳۸۵ با بندهای «۴» و «۵» ماده (۹۷۶) قانون مدنی

همان‌طور که گفته شد پیش از سال ۱۳۸۵ مبنای قانونی تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی بند «۴» ماده (۹۷۶) قانون مدنی بود که بیان می‌کرد فرزندی که در خاک ایران از یک پدر و مادر خارجی که یکی از آن دو، خود متولد کشور ایران است به دنیا بیاید به صورت ذاتی ایرانی به شمار می‌رود. ارجاع به این بند با این تفسیر اولی صورت می‌پذیرفت که زن ایرانی بر زن خارجی رجحان دارد و اکثریت زنان ایرانی دارای شوهر افغانستانی یا شوهر عراقی نیز خود متولد کشور ایران هستند. در حقیقت قبل از سال ۱۳۸۵ در تعیین تابعیت فرزند حاصل از ازدواج زن ایرانی با مرد غیرایرانی دو مسئله اولویت داشت: ایرانی بودن مادر و تولد فرزند در خاک ایران.

در سال ۱۳۸۵ ماده‌واحدده‌ای که در مجلس شورای اسلامی تصویب شد اساساً مبنای قانونی تابعیت فرزندان مادر ایرانی-پدر غیرایرانی را از بند «۴» ماده (۹۷۶) قانون مدنی به بند «۵» آن ماده (البته با شرایطی سختگیرانه‌تر) انتقال داد. بند «۵» ماده (۹۷۶) قانون مدنی به تابعیت مادر و یا محل تولد پدر و مادر اشاره‌ای ندارد و بیان می‌کند که اگر فرزندی از یک پدر خارجی در خاک ایران متولد شود و تا ۱۹ سالگی در ایران اقامت داشته باشد تبعه‌ی ایران به شمار می‌رود. از منظر مهاجرتی بند «۴» ناظر بر ایرانی شمردن نسل سوم مهاجران غیرایرانی از بدو تولد و بند ۵ ناظر بر ایرانی شمردن نسل دوم مهاجران غیرایرانی بعد از سن ۱۹ سالگی است. ماده‌واحدده‌ی مصوب سال ۱۳۸۵ بند «۵» را مبنا قرار داد و البته شروط سخت‌تر زیر را نیز بر آن اضافه کرد:

۱. نداشتن سوء پیشینه کیفری یا امنیتی

۲. اعلام رد تابعیت غیرایرانی (تابعیت انتقال داده شده از سوی پدر غیرایرانی)

۳. محدود کردن زمان تقاضای تابعیت ایران از ۱۸ سالگی تا ۱۹ سالگی

۴. اکتسابی کردن تابعیت اعطا شده

این در حالی بود که فرزند متولد از پدر و مادر خارجی در خاک ایران نسبت به فرزند متولد از پدر خارجی و مادر ایرانی، در شرایط مشابه، فرآیند آسان‌تری را برای کسب تابعیت ایران بر اساس بند «۵» ماده (۹۷۶) قانون مدنی در پیش داشت.



اصلاح ماده واحد تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی؛ مصوب سال ۱۳۹۸

ناکارآمدی ماده واحد مصوب سال ۱۳۸۵ بر همگان واضح و مبهرن شد و تلاش‌های فراوانی در راستای تغییر قوانین صورت گرفت. در دهه ۱۳۹۰، بی‌هویتی فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی، ابعاد بسیار گسترده‌تری پیدا کرد، به طوری که شکل‌گیری نسل‌های دوم و سوم افراد بی‌تابعیت و بی‌هویت را می‌توان در ایران مشاهده کرد.

در سال ۱۳۹۰، یک فوریت طرح نمایندگان مجلس شورای اسلامی مبنی بر ایرانی محسوب شدن فرزندان متولد از مادر ایرانی و پدر غیرایرانی که طبق ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی با اخذ مجوز ازدواج کرده‌اند، به تصویب رسید. در طرح مذکور، فرزندان که پیش از تصویب این قانون از مادر ایرانی و پدر غیرایرانی متولد شده بودند به تابعیت ایران درمی‌آمدند. اما کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس، کلیات این طرح را به دلیل ملاحظات سیاسی و امنیتی رد کرد. در سال ۱۳۹۱، طرح اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی و مردان خارجی مصوب ۱۳۸۵، تصویب شد. طبق طرح جدید، این فرزندان علاوه بر حق اقامت دائم در ایران همانند شهروندان ایرانی از حق تحصیل، بهداشت و درمان رایگان، تأمین اجتماعی و یارانه برخوردار و همچنین تا سن ۱۹ سالگی از پرداخت تعرفه اقامت نیز معاف می‌شدند. اما این طرح از سوی شورای نگهبان رد شد. ۱۳۹۳، شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی، سازمان ثبت‌احوال و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی را ملزم کرد تا راهکاری برای حل مسائل هویتی فرزندان طی ۶ ماه ارائه کنند. در سال ۱۳۹۴، دو فوریت اعطای تابعیت به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی و مردان غیرایرانی و فرزندان شهدای غیرایرانی در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید، اما در صحن مجلس، کلیات این طرح با اختلاف فقط ۲ رأی تصویب نشد. در اردیبهشت ماه ۱۳۹۵، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، موظف شد تا با همکاری وزارتخانه‌های کشور، امور خارجه و اطلاعات به منظور حمایت از کودکان فاقد هویت رسمی، طی مدت سه ماه، کودکان مورد اشاره را شناسایی و طرح مشترکی را برای تصویب به هیئت دولت ارائه دهد (حقیقت‌طلب و شهبابی فراهانی، ۱۳۹۷).

سرانجام در آبان‌ماه ۱۳۹۷، با تلاش‌های صورت‌گرفته، هیئت دولت، لایحه‌ای را برای اصلاح قانون سال ۱۳۸۵ به مجلس شورای اسلامی تقدیم کرد و این لایحه با برخی اصلاحات در اردیبهشت ماه ۱۳۹۸ در مجلس شورای اسلامی تصویب و در مهرماه ۱۳۹۸ از سوی شورای نگهبان تأیید و لازم‌الاجرا شد. لازم به یادآوری است که این قانون با عنوان «اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی و مردان غیرایرانی» به‌دنبال آن بود تا برخی از مشکلات قانون سال ۱۳۸۵ را برطرف سازد. در ادامه به برخی ویژگی‌های این قانون اشاره شده است:

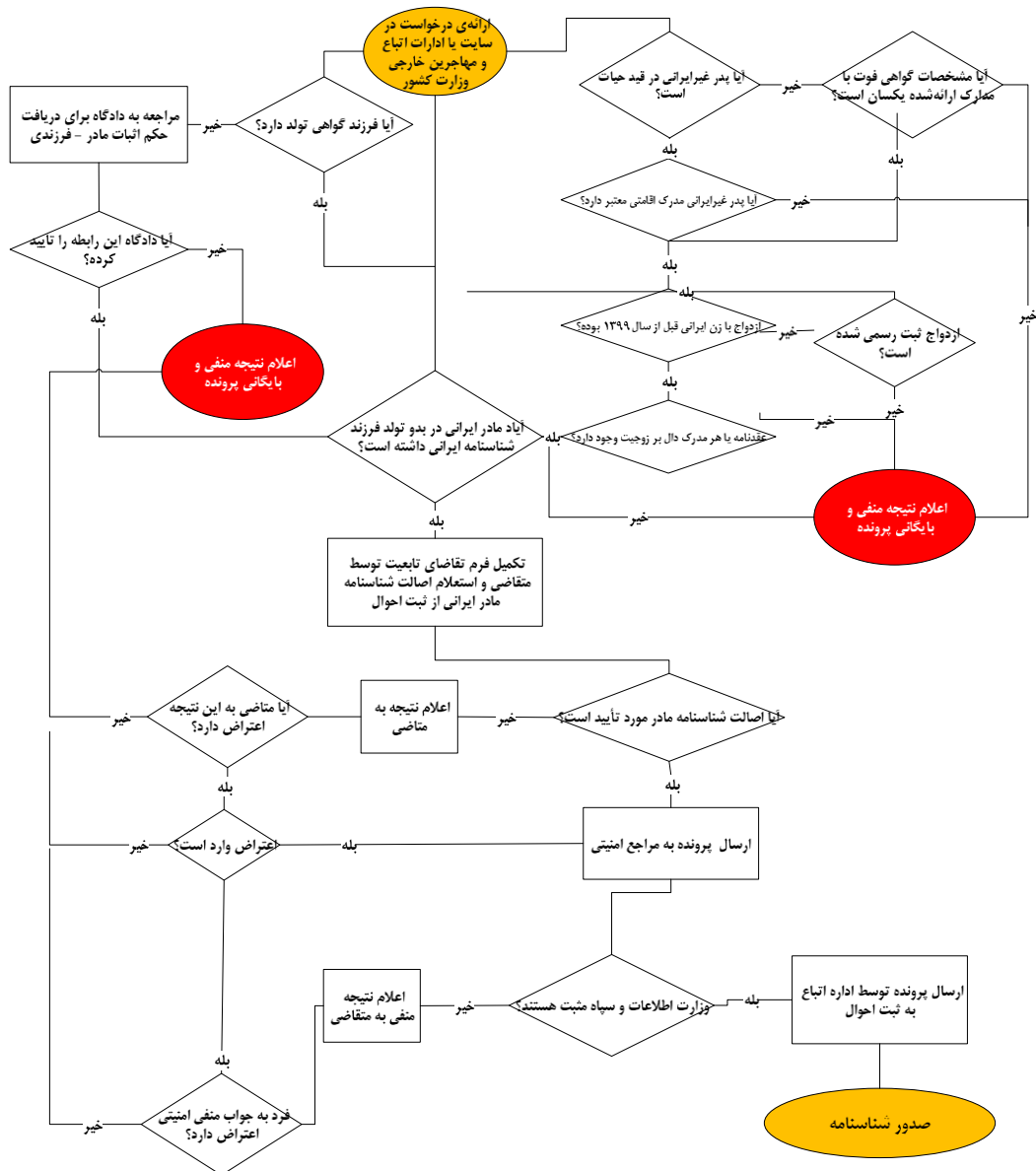
- برخورداری فرزندان مادر ایرانی- پدر غیرایرانی زیر ۱۸ سال از حق دریافت شناسنامه

- لغو شرط تولد در ایران و برخورداری فرزندان مادر ایرانی پدر غیرایرانی از حق تقاضای شناسنامه در تمام دنیا
 - لغو شرط ترک تابعیت پدری از شروط دریافت شناسنامه
 - تعیین صریح دو نهاد امنیتی وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران به‌عنوان تصمیم‌گیرندگان نهایی اعطای تابعیت به این افراد و نیز حق اقامت به پدر غیرایرانی آنها
 - امکان حق کسب اقامت در ایران برای مرد غیرایرانی به شرط تأیید دو نهاد امنیتی، براساس قانون سال ۱۳۸۵؛ نیروی انتظامی موظف به اعطای اقامت به پدر غیرایرانی بود، اما در قانون مصوب سال ۱۳۹۸، این امر تنها با تأیید وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه ممکن است.
- در متن این قانون از عبارت ازدواج شرعی میان زنان ایرانی و مردان غیرایرانی استفاده شده است، اما در متن آیین‌نامه اجرایی این قانون، به‌منظور عدم تعارض با ماده (۱۰) این شرط گذاشته شد که برای ازدواج‌های پیش از تصویب آیین‌نامه، ملاک شرعی بودن ازدواج و برای ازدواج‌های پس از تصویب آیین‌نامه، ملاک ثبت رسمی ازدواج باشد.
- از این رو براساس آیین‌نامه اجرایی، فرایند اعطای تابعیت به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی به‌صورت زیر در نظر گرفته شد.



شکل ۴. فرایند اعطای تابعیت به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی

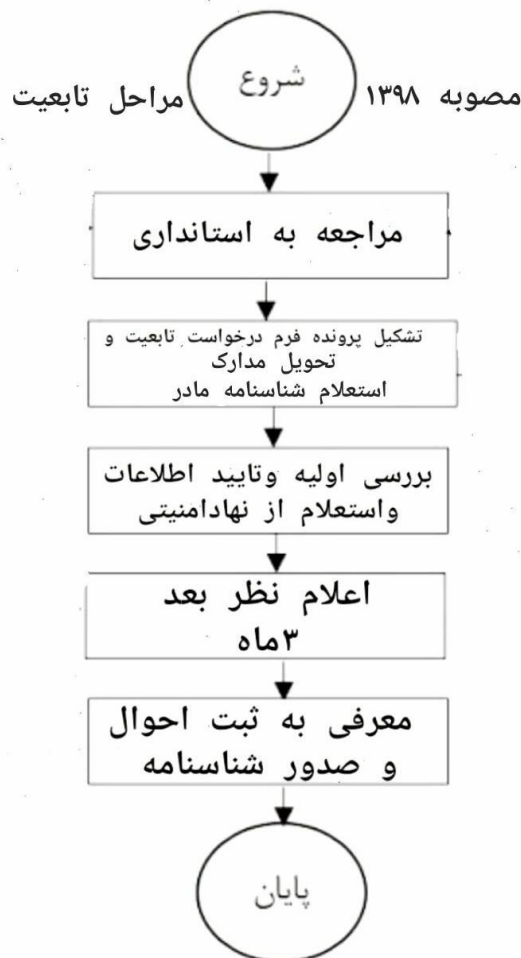
براساس قانون مصوب سال ۱۳۹۸



مشکلات اجرایی قانون تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی؛
مصوب سال ۱۳۹۸

با توجه به روند توصیف‌شده در آیین‌نامه، فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی و مادران آنها برای دریافت شناسنامه، باید فرایندی را طی کنند. این فرایند در شکل ۵ نشان داده شده است.

شکل ۵. فرایند تقاضای شناسنامه براساس قانون مصوب سال ۱۳۹۸ برای فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی



قانون تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی در ۲ مهرماه ۱۳۹۸ توسط شورای نگهبان تأیید نهایی و در ۱۵ مهرماه ۱۳۹۸ از سوی رئیس‌جمهور لازم‌الاجرا شد. جدول ۱ خلاصه‌ای از روند طی شده در اجرای قانون را بیان می‌کند.



جدول ۱. خلاصه روند طی شده برای اجرای قانون تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی؛ مصوب سال ۱۳۹۸ از سوی مجلس شورای اسلامی

تاریخ	اقدامات
۱۳ خرداد ۱۳۹۹	ابلاغ آیین‌نامه اجرایی قانون به سه وزارتخانه کشور، اطلاعات و امور خارجه و معاونت حقوقی توسط معاون اول رئیس‌جمهور*
۱ تیر ۱۳۹۹	شروع پیش‌ثبت‌نام اینترنتی در برخی استان‌ها همچون اصفهان و خراسان رضوی
۱۵ مرداد ۱۳۹۹	شروع پیش‌ثبت‌نام اینترنتی متقاضیان در استان‌های تهران و سیستان و بلوچستان (استان‌های دارای بیشترین تعداد فرزندان مادر ایرانی بی‌شناسنامه)**
۲۴ آبان ۱۳۹۹	صدور اولین شناسنامه براساس قانون مصوب سال ۱۳۹۸

*متن ابلاغیه و متن آیین‌نامه قابل دسترس در سایت روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران: <https://rrk.ir/Laws/ShowLaw.aspx?Code=22043>

**براساس گزارش بررسی وضعیت خانوارهای زنان دارای همسر خارجی (گزارشی بر اطلاعات دموگرافیک و پوشش‌های حمایتی خانوارهای زنان دارای همسر خارجی)/ تیم ارتقای عملکرد دفتر مطالعات رفاه اجتماعی معاونت رفاه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی/ اردیبهشت ۱۳۹۷، این دو استان دارای بیشترین فرزندان مادر ایرانی- پدر غیرایرانی بدون شناسنامه هستند.

بنابر آخرین اظهارات مدیر کل اداره اتباع خارجی وزارت کشور در ۳ خردادماه ۱۴۰۰، حدود ۹۰ هزار نفر فرزند مادر ایرانی پدر غیرایرانی در سامانه‌های این اداره درخواست شناسنامه داده‌اند (خبرگزاری برنا، ۱۴۰۰). مدیر کل اداره اتباع خارجی وزارت کشور در همین مصاحبه تصریح کرد که به دلیل وجود ثبت‌نام‌های تکراری، احتمال تعداد واقعی متقاضیان میان ۷۰ تا ۷۵ هزار نفر وجود دارد. از این تعداد، تا هفته پایانی مهر ماه ۱۴۰۰ تنها ۵۰۰۰ نفر موفق به دریافت شناسنامه شده بودند؛ به عبارت دیگر، تاکنون کمتر از ۶ درصد از متقاضیان، شناسنامه دریافت کرده‌اند. تغییر قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی با هدف کاهش آسیب‌های اجتماعی و نجات فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی از چرخه فقر در سال ۱۳۹۸، شکل گرفت. در حدود ۲ سال پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون، هنوز درصد اجرای موفق آن به اندازه‌ای پایین است که نمی‌توان میزان تحقق این هدف را مورد بررسی قرار داد.

بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد، که اجرای قانون تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی با دو گروه مشکل اصلی مواجه است؛ یک گروه مشکلات، ناشی از آیین‌نامه اجرایی قانون و محدودیت‌هایی که برخلاف متن قانون مصوب مجلس شورای اسلامی در آن اعمال شده و گروه دیگر، عدم اجرای قانون از سوی دستگاه‌های اجرایی.

چالش‌های مرتبط با اجرای قانون تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی (مصوب ۱۳۹۸)

اضافه شدن شرط وجود مدرک اقامت پدر: بخشی از مشکل بی‌تابعیتی فرزندان مادر ایرانی، ناشی از مهاجرت غیرقانونی اتباع کشورهای همسایه است که بیشتر به‌منظور اشتغال در مشاغل سطح پایین و کسب درآمد صورت می‌گیرد. برخی از این مهاجران، پس از حضور در ایران به‌خصوص در مناطق مرزی یا مناطق حاشیه‌ای شهرها با زنان ایرانی ازدواج کرده‌اند. از آنجایی که این افراد از ابتدا به‌صورت غیرقانونی به ایران آمده‌اند به‌دنبال کسب اقامت و ثبت ازدواج خود با زن ایرانی طبق ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی نیستند. درحقیقت نهایت این مسیر به تولد فرزندی منجر می‌شود که طبق ماده‌واحد سال ۱۳۸۵، به‌هیچ‌وجه نمی‌توانستند تابعیت ایران را اخذ کنند. وقوف به این مسئله، قانونگذار را قانع کرد تا از لفظ «وقوع ازدواج شرعی» به جای «وقوع ازدواج قانونی» به‌عنوان شرط کافی برای اعطای تابعیت به فرزندان این ازدواج‌ها در قانون استفاده کند و در جهت حفظ وحدت خانواده در متن ماده‌واحد مصوب چنین قید کرده است: «... نیروی انتظامی، مکلف است نسبت به صدور پروانه اقامت برای پدر غیرایرانی در صورت نداشتن مشکل امنیتی اقدام کند».

بنابر «ماده (۹) آیین‌نامه اجرایی»^۱ نیز برای شروع روند اعلام تابعیت، در تقاضانامه نام، نام خانوادگی، شغل، نشانی محل سکونت و محل کار، مشخصات و مدارک تابعیت پدر فرزند باید قید شود و موجود باشد، اما در این ماده اشاره‌ای به مدرک اقامتی پدر نشده است. این درحالی است که در اطلاعیه‌های صادره توسط ادارات کل اتباع و امور مهاجرین استان‌های مختلف، «وجود مدرک اقامت پدر»، یکی از مدارک الزامی برای ثبت نام فرد برای شروع فرایند اخذ تابعیت قید شده است. شایان توجه است که این شرط اضافی که هیچ‌محمل قانونی ندارد، باعث محروم شدن تعداد فراوانی از متقاضیان از رسیدگی به درخواست اخذ تابعیتشان خواهد شد.

– محرومیت نسل دوم فرزندان مادر ایرانی بی‌شناسنامه از دریافت شناسنامه براساس آیین‌نامه اجرایی

بنابر بند «۵» ماده (۱) آیین‌نامه اجرایی، زن ایرانی، زنی است که پیش از ولادت فرزند، طبق قوانین و مقررات ایران، دارای تابعیت ایرانی باشد و با مرد غیرایرانی ازدواج کرده باشد؛ به‌عبارت دیگر، یکی از شروط اعطای شناسنامه به فرزند حاصل از ازدواج زن ایرانی با مرد غیرایرانی، این است که زن ایرانی، پیش از تولد فرزندش شناسنامه و تابعیت ایرانی داشته باشد و در صورتی که پیش از تولد فرزند، شناسنامه ایرانی نداشته باشد، نمی‌تواند برای درخواست شناسنامه فرزندش اقدام کند.

مشاهدات میدانی حاکی از آن است که به‌علت اهمال حداقل دو دهه‌ای در اعطای تابعیت به فرزندان

۱. متن آیین‌نامه در پیوست‌ها ذکر شده است.



مادر ایرانی، افرادی را می‌توان مشاهده کرد که نه تنها خود به این خاطر بی‌تابعیت هستند، بلکه مادرانشان نیز به‌علتی مشابه از دریافت شناسنامه محروم شده‌اند؛ برای مثال، یک زن ایرانی در سال ۱۳۷۰ با یک مرد غیرایرانی در کشور ایران ازدواج کرده و فرزند او در سال ۱۳۷۲ با جنسیت دختر به دنیا آمده است. به دلیل سخت‌گیری‌های دهه ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ در خصوص اعطای شناسنامه، این دختر هیچ‌گاه نتوانسته برای دریافت شناسنامه اقدام کند. پس از رسیدن به سن ازدواج به همان دلیلی که مادر با یک مرد غیرایرانی ازدواج کرده است، او هم به عقد یک جوان غیرایرانی دیگر درمی‌آید و صاحب فرزند می‌شود، به این ترتیب، نسل دوم بی‌شناسنامه‌گی شکل گرفته و دختر و نوه هر دو بی‌شناسنامه مانده‌اند.

طبق بند «۵» ماده (۱) آیین‌نامه اجرایی، ممکن است دختر بتواند شناسنامه ایرانی دریافت کند؛ اما نوه این خانواده به‌طور یقین بی‌شناسنامه خواهد ماند؛ زیرا مادر وی در حین تولد، فاقد تابعیت ایران بوده است. در موارد زیادی جمعیت معاودین^۱ سال‌ها پس از زندگی و اسکان در ایران، توانسته‌اند هویت ایرانی خود را اثبات و شناسنامه ایرانی دریافت کنند. در صورتی که زنی از معاودین با یک مرد غیرایرانی ازدواج کرده باشد؛ چون به احتمال زیاد به هنگام تولد فرزندش هنوز شناسنامه ایرانی نگرفته بوده است، فرزندش هم از دریافت شناسنامه محروم می‌شود. در مواردی که دختران ایرانی در سنین ۲۲ یا ۲۳ سالگی براساس قانون مصوب سال ۱۳۸۵ در رابطه با تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی، شناسنامه دریافت، با یک مرد غیرایرانی دیگر ازدواج کرده و صاحب فرزند شده باشند، در صورتی که پیش از ولادت فرزندشان شناسنامه دریافت نکرده باشند نیز از مواهب قانون مصوب سال ۱۳۹۸ محروم می‌مانند. موضوع به اندازه‌ای حاد است که در اطلاعیه مربوط به اعلان مدارک مورد نیاز برای درخواست سه استان تهران، اصفهان و بوشهر، تذکری به این شرح درج شده است: «در صورتی که مادر ایرانی قبل از تولد فرزند خود تابعیت ایرانی نداشته باشد از مزایای این قانون برای فرزند خود بهره‌مند نخواهد بود».

درحقیقت می‌توان گفت در شرایط کنونی آیین‌نامه، مادران این فرزندان که خود حاصل ازدواج یک زن ایرانی با مرد غیرایرانی هستند، می‌توانند پس از طی فرایند قانونی به تابعیت ایران درآیند، اما فرزندان‌شان به‌علت نوع تعریف زن ایرانی در این آیین‌نامه از حق اخذ تابعیت و شناسنامه محروم می‌شوند و طی سال‌های آتی این بی‌تابعیتی را به نسل‌های بعدی منتقل می‌کنند.

شایان ذکر است معاونت حقوقی ریاست جمهوری برای حل این مشکل، در پیش‌نویس اولیه آیین‌نامه در «بند «ت» ماده (۱) مورد ۲» این‌گونه قید کرده است: «ورثه محرز فرد بالای ۱۸ سال که از مادر ایرانی و پدر غیرایرانی متولد شده است نیز متقاضی محسوب می‌شود»، اما این راهکار در نسخه نهایی آیین‌نامه حذف شد.

۱. ایرانیان عراق، مردمانی ایرانی‌تبارند که از دیرباز به عراق مهاجرت کرده بودند. برخی از این افراد که در زمان حکومت بعث به جرم ایرانی بودنشان از کشور عراق اخراج شدند، از آن به بعد به معاودین (بازگشتگان) معروف شدند.

- حذف شرط مهلت زمانی برای استعلام امنیتی

طبق بخش انتهایی ماده واحده قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی مصوب ۱۳۹۸، در خصوص مدت زمان ارسال پاسخ استعلام امنیتی چنین آمده است: «پاسخ به استعلام امنیتی باید حداکثر ظرف مدت سه ماه انجام شود...». همچنین طبق ماده (۱۳) آیین‌نامه اعطای تابعیت به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی مصوب ۱۳۹۹، «عدم ارسال پاسخ روشن ظرف مدت سه ماه توسط مرجع امنیتی به منزله فقدان مشکل امنیتی تلقی می‌شود و در این صورت ... اداره ثبت‌احوال محل تولد مادر ایرانی، موظف به صدور کارت ملی و شناسنامه برای فرد مورد نظر است...». علاوه بر این در تبصره «۱» بند «۴» شیوه‌نامه هماهنگی در اجرای آیین‌نامه مذکور، ابلاغی تیرماه ۱۳۹۹ از سوی وزیر محترم کشور به استانداری‌های سراسر کشور، آمده است: «مراجع امنیتی باید حداکثر ظرف مدت ۳ ماه، نظریه صریح خود را به اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی استانداری اعلام کنند. عدم ارسال پاسخ صریح در مدت ذکر شده به معنای پاسخ مثبت است».

شایان توجه است که این تبصره در آذرماه ۱۳۹۹ از شیوه‌نامه جدید ابلاغی از سوی وزیر محترم کشور به استانداران سراسر کشور حذف شده است و بر این اساس، نه مراجع امنیتی ذکر شده و نه مسئولان اداره اتباع در استانداری‌های سراسر کشور، دیگر ملزم به اجرای آن نیستند. به همین ترتیب این حق قانونی که طبق ماده واحده مصوب ۱۳۹۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است از شیوه‌نامه آذرماه ۱۳۹۹ حذف و افراد از حقوق حقه خود سلب شده‌اند.

بر این اساس می‌توان ادعان داشت که دیگر دستگاه‌های امنیتی، وظیفه‌ای برای استعلام ندارند؛ چنانچه افراد زیادی در استان‌های فراوانی، بیش از ۶ ماه در انتظار پاسخ دستگاه‌های امنیتی هستند و هیچ پاسخی در قبال رد یا قبول تابعیت دریافت نکرده‌اند که این امر موجب سرگردانی و ناامیدی بسیاری از افراد متقاضی شده است. و تعداد زیادی از متقاضیان مدت‌هاست که در انتظار پاسخ دستگاه‌های امنیتی مانده‌اند.

- ناتوانی خانواده‌های کم‌بضاعت در دریافت حکم اثبات نسب از دادگاه

طبق نتایج سرشماری سال ۱۳۹۶ وزارت رفاه از خانواده‌های دارای همسر غیرایرانی، فرزندان بسیاری از زنان ایرانی دارای همسر غیرایرانی، گواهی ولادت ندارند و فرزند حاصله دارای مدرک هویتی نیست. همچنین وقوع ازدواج میان زن ایرانی و مرد غیرایرانی در وزارت کشور ثبت نشده و نیاز به حکم دادگاه برای شرعی بودن آن دارد. این زنان به‌منظور دریافت شناسنامه توسط ادارات اتباع به دادگستری معرفی می‌شوند تا قاضی دادگاه، حکم اثبات نسب آنان و وقوع ازدواج شرعی را صادر کند.

تعداد بسیار کمی از قضات دادگاه‌ها با استفاده از استشهاد محلی، حکم لازم را صادر می‌کنند. بیشتر قضات، صدور حکم را منوط به انجام آزمایش DNA می‌کنند. بسیاری از خانواده‌های دارای فرزند بی‌شناسنامه، در فقر مطلق زندگی می‌کنند و از انجام این آزمایش ناتوانند. مضاف بر اینکه به دلیل



کم‌سواد بودن این خانواده‌ها، پیگیری پرونده در سیستم قضایی توسط خودشان ممکن نیست و نیازمند وکیل هستند. تمام این مسائل هزینه‌های دریافت شناسنامه را بالا می‌برد و این خانواده‌ها، از دریافت شناسنامه بازمی‌مانند. از سوی دیگر عدم تعیین شعبه‌های ویژه رسیدگی به این پرونده‌ها، باعث طولانی شدن بیش از حد پرونده‌ها و محروم ماندن بسیاری از افراد مستحق شناسنامه می‌شود.

– عدم اطلاع‌رسانی پیرامون لزوم ثبت ازدواج‌های شرعی

روح حاکم بر متن ماده‌واحد مصوب مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۸ بر حذف پدیده بی‌شناسنامه‌گی فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی تأکید داشته و به همین دلیل در متن این قانون از عبارت «ازدواج‌های شرعی» جهت اعطای شناسنامه استفاده شده است. لایحه ارسالی به مجلس از سوی دولت حاوی این عبارت نبود و نمایندگان مجلس شورای اسلامی بنابر مواجعات مستقیم خود با افراد درگیر مشکل این عبارت را به متن ماده‌واحد اضافه کردند که شورای نگهبان هم آن را مورد تأیید قرار داد. در متن آیین‌نامه اجرایی قانون جهت جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی در آینده در ماده (۳) این تبصره اضافه شد که:

«احراز وقوع ازدواج‌هایی که از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون تا زمان انتشار این آیین‌نامه در روزنامه رسمی صورت گرفته، موکول به ارائه عقدنامه رسمی یا حکم قطعی مرجع قضایی مبنی بر احراز وقوع نکاح شرعی است. در مورد ازدواج‌هایی که پس از انتشار این آیین‌نامه واقع می‌شوند، تنها ازدواج ثبت‌شده ملاک تأیید تابعیت فرزندان متولد از این ازدواج‌ها خواهد بود.»

بنا بر این تبصره، در مورد ازدواج‌های به‌وقوع پیوسته پس از تصویب آیین‌نامه اجرایی تنها در صورتی به فرزندان حاصل از ازدواج شناسنامه اعطا خواهد شد که آن ازدواج به ثبت رسیده باشد. این تبصره اهمیت بسزایی پیرامون کنترل ازدواج‌های بین زنان ایرانی و مردان غیرایرانی دارد. اگرچه با گذشت بیش از ۱ سال و نیم از ابلاغ آیین‌نامه اجرایی هنوز اکثریت قریب به اتفاق فرزندان مادر ایرانی دارای ازدواج شرعی به‌وقوع پیوسته قبل از تاریخ تصویب آیین‌نامه به شناسنامه دست نیافته‌اند، اما با این حال اطلاع‌رسانی پیرامون این تبصره اهمیت بسزایی دارد که دستگاه‌های اجرایی از آن غفلت ورزیده‌اند.

– مخالفت‌های درون‌دستگاهی و ممانعت از اجرای قانون

متن آیین‌نامه به روشنی فرایند درخواست تابعیت برای فرزندان مادر ایرانی زیر ۱۸ سال و بالای ۱۸ سال را بیان کرده است. این آیین‌نامه ممکن است که کاستی‌هایی داشته باشد، اما بنابر همین آیین‌نامه، بسیاری از فرزندان مادر ایرانی از بی‌هویتی و بی‌شناسنامه‌گی نجات پیدا می‌کنند. طبق متن آیین‌نامه، برای افراد متولد در ایران، متولی اجرایی وزارت کشور و برای افراد متولد در خارج از ایران، وزارت امور خارجه در نظر گرفته شده است. در وزارت کشور نیز اداره اتباع و مهاجرین خارجی و دفاتر کفالت

زیرمجموعه این اداره، مسئول دریافت مدارک از متقاضیان شد که پیش از شروع فرایند، شروع به پیش‌ثبت‌نام از متقاضیان کرد. فرایند لازم برای این امر به‌صورت خلاصه به‌شرح زیر است:

- درخواست شناسنامه توسط مادر ایرانی برای افراد زیر ۱۸ سال و برای افراد بالای ۱۸ سال توسط خود فرد
- دریافت مدارک و صحت‌سنجی مدارک توسط وزارت کشور و تشکیل پرونده
- بررسی امنیتی درخواست‌ها توسط وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه
- صدور شناسنامه توسط ثبت‌احوال در مواردی که جواب نهادهای امنیتی مثبت است.

سه استان اصلی دارنده بیشترین افراد بی‌شناسنامه مادر ایرانی، عبارت از «سیستان و بلوچستان، تهران و خراسان رضوی» است (تیم ارتقای عملکرد دفتر مطالعات رفاه اجتماعی معاونت رفاه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۷). هنوز هیچ فردی در استان سیستان و بلوچستان موفق به دریافت شناسنامه نشده است. در استان‌های «تهران و خراسان رضوی» نیز نسبت افرادی که موفق به دریافت شناسنامه شده‌اند، همچنان کمتر از ۵ درصد متقاضیان است (خبرگزاری فارس، ۱۴۰۰). در استان «سیستان و بلوچستان» حتی افرادی که مدارک لازم برای دریافت شناسنامه را به ادارات اتباع ارائه کرده‌اند نیز موفق به دریافت شناسنامه نشده‌اند. بنابر سرشماری سال ۱۳۹۶ وزارت رفاه، حدود ۷۰ درصد از کودکان مادر ایرانی-پدر غیرایرانی در استان سیستان و بلوچستان، هیچ مدرک هویتی (حتی گواهی ولادت) ندارند و با توجه به رویه‌ای که تاکنون طی شده است، به‌نظر می‌رسد همچنان مشکل بی‌شناسنامه‌گی در استان «سیستان و بلوچستان» پابرجا باشد؛ در حالی که متن قانون مصوب سال ۱۳۹۸ مجلس شورای اسلامی برای از بین بردن این پدیده بود.

ازسوی دیگر باید در نظر داشت که مجموعه‌هایی از وزارتخانه‌های اجرایی قانون از طریق کمیسیون تطبیق قوانین مجلس شورای اسلامی، به متن آیین‌نامه اجرایی ایراداتی را وارد کردند و موجب دو بار اصلاح آیین‌نامه شدند.^۱ علی‌رغم اینکه لایحه مذکور با امضای چهار وزیر اطلاعات، امور خارجه، کشور و دادگستری به مجلس فرستاده شد، اما برخی زیرمجموعه‌ها به‌صورت دائمی مانع از پیشرفت کار می‌شوند. برآیند گزارش‌های میدانی بر پایه گفته‌ها متقاضیان، بیانگر آن است که زیرمجموعه‌های وزارت کشور که به‌صورت مستقیم مجری اجرای قانون‌اند، به عمد در فرایند مشخص شده تأخیر ایجاد می‌کنند. در

۱. اولین اصلاحیه در متن آیین‌نامه در جلسه روز ۲۵ تیر ۱۳۹۹ هیئت‌وزیران صورت گرفت. در این جلسه، مقرر شد که در بند «۶» ماده (۱) آیین‌نامه، عبارت «مرجع امنیتی» به عبارت «هر دو مرجع امنیتی مندرج در قانون» تغییر پیدا کند. در مواد (۸) و (۱۳) آیین‌نامه نیز قطعی بودن نظر کمیسیون تابعیت وزارت کشور در مورد شکایت علیه جواب منفی نهادهای امنیتی برداشته و تأکید شد که نظر کمیسیون تابعیت وزارت کشور با لحاظ نظر مرجع امنیتی اعلام می‌شود. کمیسیون تابعیت وزارت کشور، نهادی محسوب می‌شود که در متن آیین‌نامه برای رسیدگی به اعتراض به جواب منفی نهادهای امنیتی ازسوی متقاضیان در نظر گرفته شده و در متن اولیه، قادر به تغییر رأی نهادهای امنیتی بود. اصلاح ۲۵ تیر هیئت‌دولت باز هم مورد قبول مجلس شورای اسلامی قرار نگرفت. این بار در جلسه ۲۳ شهریور ۱۳۹۹ هیئت‌دولت، مصوب شد که متقاضی تنها در موضوعات غیرامنیتی، حق شکایت به کمیسیون تابعیت وزارت کشور پیرامون جواب منفی نهادهای امنیتی را دارد.



متن آیین‌نامه، مهلت بررسی پرونده‌ها توسط دستگاه‌های امنیتی سه ماه اعلام شده، اما برای دریافت مدارک و بررسی صحت آنها که اقداماتی بسیار ساده‌تر هستند، مهلت زمانی تعیین نشده است. این امر درحالی است که دستگاه‌های اجرایی، حداقل می‌توانستند در مورد افرادی که مدارک هویتی پدر آنان کامل و رصدکنشان به سادگی میسر است، فرایند را تسریع کنند تا افرادی را که پدر آنها بدون مدرک هستند هم تشویق به اخذ مدرک شوند.

راهکارهای پیشنهادی

با توجه به حساسیت‌های فراوان موجود، پیشنهاد می‌شود که اعطای شناسنامه به فرزندان مادر ایرانی با اولویت‌های زیر صورت پذیرد:

- **افرادی که براساس قانون قبلی درخواست تابعیت ایرانی داده بودند و پرونده آنها نزد نهادهای امنیتی کامل است؛** پرونده این متقاضیان از قبل در وزارت کشور و وزارت امور خارجه وجود داشته، از این‌رو تصمیم‌گیری در مورد آنان بسیار ساده‌تر خواهد بود، همچنین تحقیقات امنیتی نیز پیرامون آنان صورت گرفته و درنهایت تعیین پاسخ نهایی آسان‌تر است.
- **افرادی که مدارک اقامتی حضور پدر آنان در سالیان گذشته در ایران تکمیل بوده و ازدواج مادرشان براساس ماده (۱۰۶۰) ثبت شده است؛** قابلیت رصد اطلاعاتی این افراد براساس داده‌هایی که از سالیان حضور پدر آنان در ایران موجود است، وجود دارد و به‌راحتی می‌توان پرونده‌های آنان را مورد بررسی قرار داد.
- **فرزندان مادر ایرانی - پدر غیرایرانی که براساس فرمان رهبری در سال ۱۳۹۲، از حق تحصیل در مدارس ایران برخوردار و پدران آنها به‌واسطه این تحصیل، دارای مدرک اقامتی شده‌اند و پرونده‌های آنان در وزارت آموزش و پرورش موجود است؛** لازم به یادآوری است که امکان رصد اطلاعاتی خانواده‌های این فرزندان، بیشتر است.
- **دیگر متقاضیان که مدارک هویتی پدر آنان تکمیل نیست و نیاز به رأی دادگاه و بررسی‌های امنیتی بیشتری دارد.**

در صورتی که دو گروه اولیتهی اول در این پیشنهاد، صاحب شناسنامه شوند، دو اتفاق مهم رخ می‌دهد؛ از یکسو سایر گروه‌ها و افراد، تشویق به قانونی کردن حضور و اخذ مدرک می‌شوند تا از مزایای حضور قانونی بهره ببرند و ازسوی دیگر هم با شناسنامه‌دار شدن این افراد، بخشی از مشکل بی‌هویتی حل می‌شود.

تابعیت اعطا شده به فرزندان مادر ایرانی براساس این قانون اکتسابی است و محدودیت‌هایی دارد؛ زیرا در ابتدای کد ملی افراد دارای تابعیت اکتسابی، حرف «F» درج می‌شود تا شناسایی این افراد به‌سادگی صورت گیرد. در عمل شناسنامه‌های اعطا شده به این افراد دارای محدودیت‌هایی برای کسب مشاغل مدیریتی و کلیدی است که دغدغه‌های امنیتی را رفع می‌کند. به‌نظر می‌رسد تأکید بر اجرای بالولویت برای گروه‌های مختلف، عملی باشد. در صورت سرعت گرفتن این فرایند و به حد معنادار رسیدن درصد متقاضیانی که موفق به دریافت شناسنامه می‌شوند، می‌توان در پژوهش‌های آتی، میزان تحقق اهداف قانون را نیز مورد بررسی قرار داد.



پیوست ۱- قانون تابعیت ایران

مواد (۹۷۶ تا ۹۹۱) قانون مدنی ایران، مجموعه مواد قانون تابعیت ایران هستند. این مواد در سال ۱۳۰۸ در مجلس شورای ملی وقت به تصویب رسیدند. شاکله این قانون طی سال‌های اخیر ثابت باقی مانده و فقط چند تغییر جزئی داشته است:

ماده (۹۷۶)

اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب می‌شوند:

۱. کلیه ساکنین ایران به‌استثنای اشخاصی که تبعیت خارجی آنها مسلم باشد. تبعیت خارجی کسانی مسلم است که مدارک تابعیت آنها مورد اعتراض دولت ایران نباشد.
 ۲. کسانی که پدر آنها ایرانی است اعم از این که در ایران یا در خارجه متولد شده باشند.
 ۳. کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیرمعلوم باشند.
 ۴. کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده به‌وجود آمده‌اند.
 ۵. کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است به‌وجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به هجده سال تمام، لااقل یک سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند والا قبول شدن آنها به تبعیت ایران بر طبق مقرراتی خواهد بود که طبق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است.
 ۶. هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند.
 ۷. هر تبعه خارجی که تابعیت ایران را تحصیل کرده باشد.
- تبصره: اطفال متولد از نمایندگان سیاسی و قنسولی خارجه مشمول فقره ۴ و ۵ نخواهند بود.

ماده (۹۷۷)

- الف) هرگاه اشخاص مذکور در بند «۴» ماده (۹۷۶) پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام، بخواهند تابعیت پدر خود را قبول کنند، باید ظرف یک سال درخواست کتبی به ضمیمه تصدیق دولت متبوع پدرشان دایر به اینکه آنها را تبعه خود خواهد شناخت، به وزارت امور خارجه تسلیم نمایند.
- ب) هرگاه اشخاص مذکور در بند «۵» ماده (۹۷۶)، پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام، بخواهند به تبعیت پدر خود باقی بمانند، باید ظرف یک سال درخواست کتبی به ضمیمه تصدیق دولت متبوع پدرشان دایر به اینکه آنها را تبعه خود خواهد شناخت به وزارت امور خارجه تسلیم نمایند.

ماده (۹۷۸)

نسبت به اطفالی که در ایران از اتباع دولی متولد شده‌اند که در مملکت متبوع آنها اطفال متولد از اتباع ایرانی را به موجب مقررات تبعه خود محسوب داشته و رجوع آنها را به تبعیت ایران موکل به اجازه می‌کنند، معامله متقابل خواهد شد.

ماده (۹۷۹)

اشخاصی که دارای شرایط ذیل باشند، می‌توانند تابعیت ایران را تحصیل کنند:

۱. به سن هجده سال تمام رسیده باشند.
۲. پنج سال اعم از متوالی یا متناوب در ایران ساکن بوده باشند.
۳. فراری از خدمت نظامی نباشند.
۴. در هیچ مملکتی به جنحه مهم یا جنایت غیرسیاسی محکوم نشده باشند.

در مورد فقره دوم این ماده، مدت اقامت در خارجه برای خدمت دولت ایران در حکم اقامت در خاک ایران است.

ماده (۹۸۰)

کسانی که به امور عام‌المنفعه ایران خدمت یا مساعدت شایانی کرده باشند، همچنین اشخاصی که دارای عیال ایرانی هستند، از او اولاد دارند یا دارای مقامات عالی علمی و متخصص در امور عام‌المنفعه می‌باشند و تقاضای ورود به تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران را می‌نمایند، در صورتی که دولت، ورود آنها را به تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران صلاح بداند، بدون رعایت شرط اقامت ممکن است با تصویب هیئت وزیران به تابعیت ایران قبول شوند.

ماده (۹۸۱)

حذف شده است.

ماده (۹۸۲)

اشخاصی که تحصیل تابعیت ایرانی نموده یا بنمایند از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است، بهره‌مند می‌شوند، لکن نمی‌توانند به مقامات ذیل نائل شوند:

۱. ریاست جمهوری و معاونین او
۲. عضویت در شورای نگهبان و ریاست قوه قضائیه
۳. وزارت و کفالت وزارت و استانداری و فرمانداری
۴. عضویت در مجلس شورای اسلامی
۵. عضویت شوراهای استان و شهرستان و شهر
۶. استخدام در وزارت امور خارجه و نیز احراز هرگونه پست و مأموریت سیاسی
۷. قضاوت
۸. عالی‌ترین رده فرماندهی در ارتش و سپاه و نیروی انتظامی
۹. تصدی پست‌های مهم اطلاعاتی و امنیتی.

ماده (۹۸۳)

درخواست تابعیت باید مستقیماً یا توسط حکام یا ولات به وزارت امور خارجه تسلیم شده و دارای منضمات ذیل باشد:

۱. سواد مصدق اسناد هویت تقاضاکننده و عیال و اولاد او
۲. تصدیق‌نامه نظمیه دایر به تعیین مدت اقامت تقاضاکننده در ایران و نداشتن سوءسابقه و داشتن مکنت کافی یا شغل معین برای تأمین معاش. وزارت امور خارجه در صورت لزوم اطلاعات راجع به شخص تقاضاکننده را تکمیل و آن را به هیئت وزرا ارسال خواهد نمود تا هیئت مزبور در قبول یا رد آن تصمیم مقتضی اتخاذ کند. در صورت قبول شدن تقاضا، سند تابعیت به درخواست‌کننده تسلیم خواهد شد.

ماده (۹۸۴)

زن و اولاد صغیر کسانی که طبق این قانون تحصیل تابعیت ایران می‌نمایند، تبعه دولت ایران شناخته می‌شوند ولی زن در ظرف یک‌سال از تاریخ صدور سند تابعیت شوهر و اولاد صغیر در ظرف یک سال از تاریخ رسیدن به سن هجده سال تمام، می‌توانند اظهاریه کتبی به وزارت امور خارجه داده و تابعیت مملکت سابق شوهر یا پدر را قبول کنند، لکن به اظهاریه اولاد اعم از ذکور و اناث باید تصدیق مذکور در ماده (۹۷۷) ضمیمه شود.

**ماده (۹۸۵)**

تحصیل تابعیت ایرانی پدر به هیچ‌وجه درباره اولاد او که در تاریخ تقاضانامه به سن هجده سال تمام رسیده‌اند، مؤثر نمی‌باشد.

ماده (۹۸۶)

زن غیرایرانی که در نتیجه ازدواج، ایرانی می‌شود، می‌تواند بعد از طلاق یا فوت شوهر ایرانی به تابعیت اول خود رجوع نماید؛ مشروط بر اینکه وزارت امور خارجه را کتباً مطلع کند، ولی هر زن شوهر مرده که از شوهر سابق خود اولاد دارد، نمی‌تواند مادام که اولاد او به سن هجده سال تمام نرسیده از این حق استفاده کند و در هر حال زنی که مطابق این ماده تبعه خارجه می‌شود، حق داشتن اموال غیرمنقول نخواهد داشت مگر در حدودی که این حق به اتباع خارجه داده شده باشد و هرگاه دارای اموال غیرمنقول بیش از آنچه که برای اتباع خارجه داشتن آن جایز است بوده یا بعداً به ارث، اموال غیرمنقولی بیش از حد آن به او برسد، باید در ظرف یک سال از تاریخ خروج از تابعیت ایران یا داراشدن ملک در مورد ارث مقدار مازاد را به‌نحوی از انجا به اتباع ایران منتقل کند والا اموال مزبور با نظارت مدعی‌العموم محل، به فروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش، قیمت به آنها داده خواهد شد.

ماده (۹۸۷)

زن ایرانی که با تبعه خارجه مزاجت می‌نماید به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر اینکه مطابق قانون مملکت زوج، تابعیت شوهر به‌واسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود، ولی در هر صورت بعد از وفات شوهر یا تفریق، به صرف تقدیم درخواست به وزارت امور خارجه به انضمام ورقه تصدیق فوت شوهر یا سند تفریق، تابعیت اصلیه زن با جمیع حقوق و امتیازات راجعه به آن مجدداً به او تعلق خواهد گرفت.

تبصره «۱» - هرگاه قانون تابعیت مملکت زوج، زن را بین حفظ تابعیت اصلی و تابعیت زوج مخیر بگذارد، در این مورد زن ایرانی که بخواهد تابعیت مملکت زوج را دارا شود و علل موجهی هم برای تقاضای خود در دست داشته باشد به شرط تقدیم تقاضانامه کتبی به وزارت امور خارجه ممکن است با تقاضای او موافقت شود.

تبصره «۲» - زن‌های ایرانی که بر اثر ازدواج، تابعیت خارجی را تحصیل می‌کنند، حق داشتن اموال غیرمنقول را در صورتی که موجب سلطه خارجی شود ندارند. تشخیص این امر با کمیسیون متشکل از نمایندگان وزارتخانه‌های امور خارجه، کشور و اطلاعات است.

مقررات ماده (۹۸۸) و تبصره آن در قسمت خروج ایرانیانی که تابعیت خود را ترک نموده‌اند شامل زنان مزبور نخواهد بود.

ماده (۹۸۸)

اتباع ایران، نمی‌توانند تبعیت خود را ترک کنند مگر به شرایط ذیل:

۱. به سن ۲۵ سال تمام رسیده باشند.
۲. هیئت وزرا، خروج از تابعیت آنان را اجازه دهد.
۳. قبلاً تعهد نمایند که در ظرف یک سال از تاریخ ترک تابعیت، حقوق خود را بر اموال غیرمنقول که در ایران دارا می‌باشند یا ممکن است بالوراثه دارا شوند ولو قوانین ایران اجازه تملک آن را به اتباع خارجه بدهد به‌نحوی از انجا به اتباع ایرانی منتقل کنند. زوجه و اطفال کسی که بر طبق این ماده، ترک تابعیت می‌نماید اعم از اینکه اطفال مزبور صغیر یا کبیر باشند از تبعیت ایرانی خارج نمی‌شوند مگر اینکه اجازه هیئت وزرا شامل آنها هم باشد.
۴. خدمت تحت‌السلطه خود را انجام داده باشند.

تبصره «الف» - کسانی که بر طبق این ماده، مبادرت به تقاضای ترک تابعیت ایران و قبول تابعیت خارجی می‌نمایند، علاوه بر اجرای مقرراتی که ضمن بند «۳» از این ماده درباره آنان مقرر است، باید ظرف مدت سه ماه از تاریخ صدور سند ترک تابعیت، از ایران خارج شوند. چنانچه ظرف مدت مزبور خارج نشوند، مقامات صالحه، امر به اخراج آنها و فروش اموالشان صادر خواهند نمود و تمدید مهلت مقرره فوق حداکثر تا یک سال موکول به موافقت وزارت امور خارجه می‌باشد.

تبصره «ب» - هیئت وزیران می‌تواند ضمن تصویب ترک تابعیت زن ایرانی بی‌شوهر، ترک تابعیت فرزندان او را نیز که فاقد پدر و جد پدری هستند و کمتر از ۱۸ سال تمام دارند یا به جهات دیگری محجورند، اجازه دهد. فرزندان زن مذکور نیز که به سن ۲۵ سال تمام نرسیده باشند، می‌توانند به تابعیت از درخواست مادر، تقاضای ترک تابعیت نمایند.

ماده (۹۸۹)

هر تبعه ایرانی که بدون رعایت مقررات قانونی بعد از تاریخ ۱۲۸۰ شمسی، تابعیت خارجی تحصیل کرده باشد، تابعیت خارجی او کأن لم یکن بوده و تبعه ایران شناخته می‌شود، ولی در عین حال کلیه اموال غیرمنقوله او با نظارت مدعی‌العموم محل به فروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش، قیمت آن به او داده خواهد شد و به‌علاوه از اشتغال به وزارت و معاونت وزارت و عضویت مجالس مقننه و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و بلدی و هرگونه مشاغل دولتی محروم خواهد بود.

تبصره: هیئت وزیران می‌تواند بنا به مصالحی به پیشنهاد وزارت امور خارجه، تابعیت خارجی مشمولین این ماده را به رسمیت بشناسد. به این گونه اشخاص با موافقت وزارت امور خارجه، اجازه ورود به ایران یا اقامت می‌توان داد.

ماده (۹۹۰)

از اتباع ایران، کسی که خود یا پدرشان موافق مقررات، تبدیل تابعیت کرده باشند و بخواهند به تبعیت اصلیه خود رجوع نمایند به مجرد درخواست به تابعیت ایران قبول خواهند شد مگر آنکه دولت، تابعیت آنها را صلاح نداند.

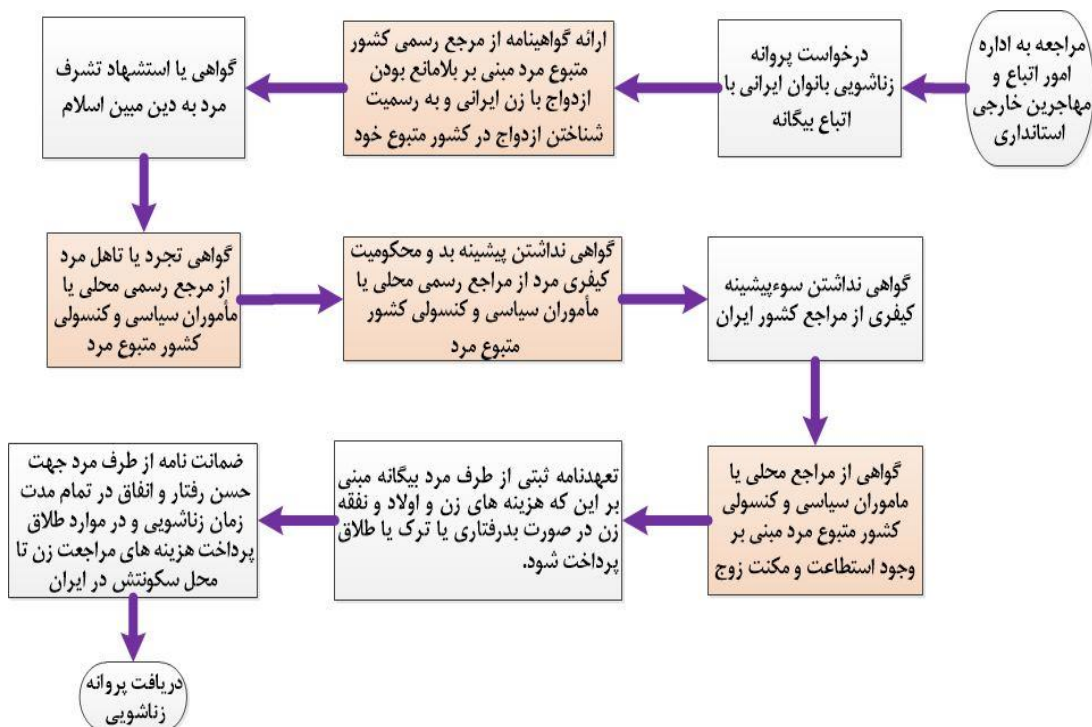
ماده (۹۹۱)

تکالیف مربوط به اجرای قانون تابعیت و اخذ مخارج دفتری در مورد کسانی که تقاضای تابعیت یا ترک تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران و تقاضای بقا بر تابعیت اصلی را دارند به موجب آیین‌نامه‌ای که به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید معین خواهد شد.

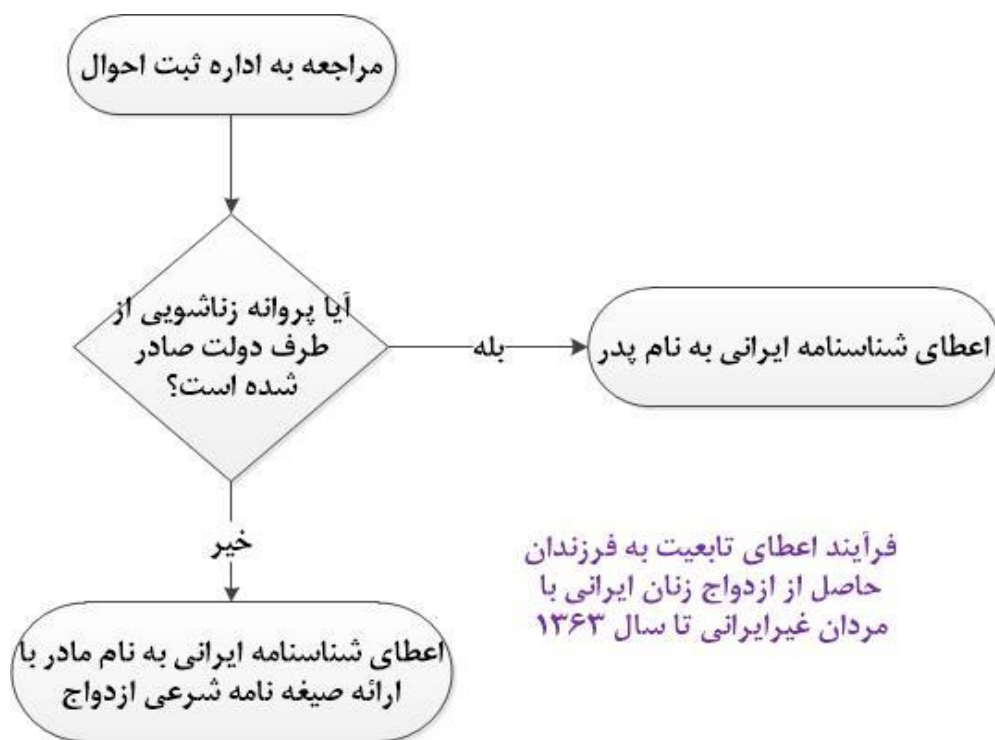


پیوست ۲- فرایندهای اعطای تابعیت و شناسنامه به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی در چهار دهه گذشته (حقیقت طلب و شهرابی فراهانی، ۱۳۹۷)

شکل ۱. فرایند قانونی کردن ازدواج شرعی یک زن ایرانی با یک مرد غیرایرانی

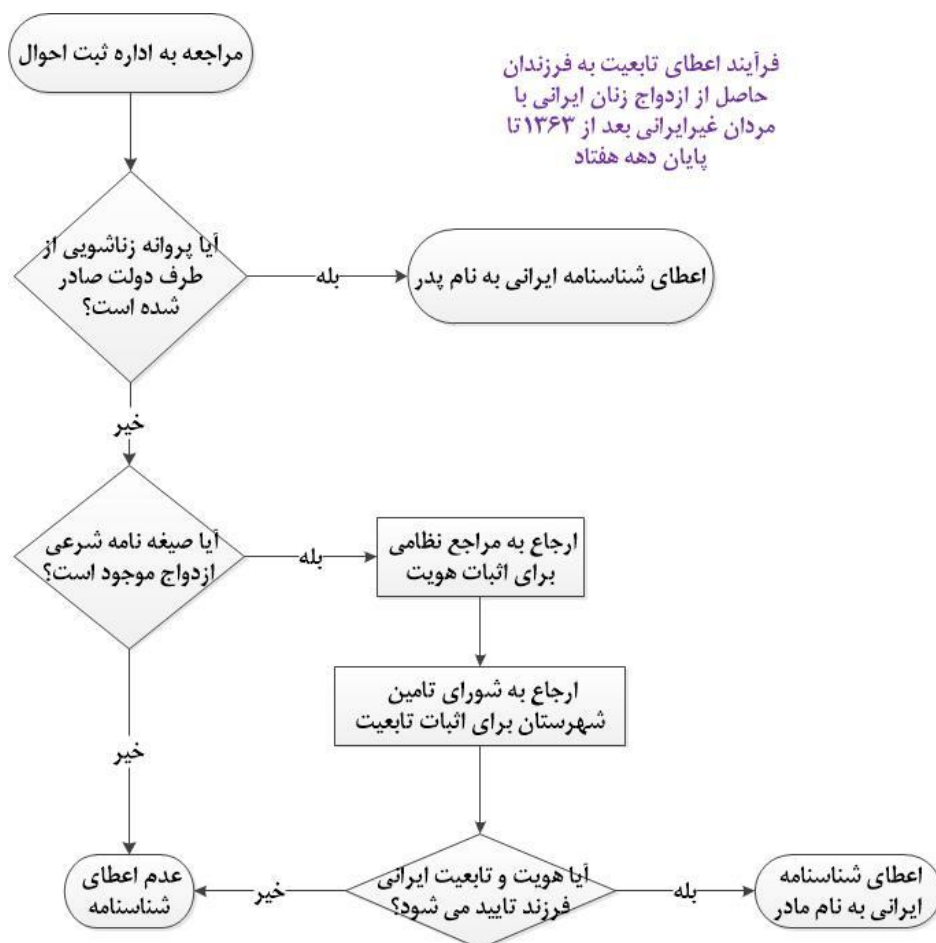


شکل ۲. فرایند اعطای تابعیت به فرزند حاصل از ازدواج زن ایرانی با مرد غیرایرانی تا سال ۱۳۶۳

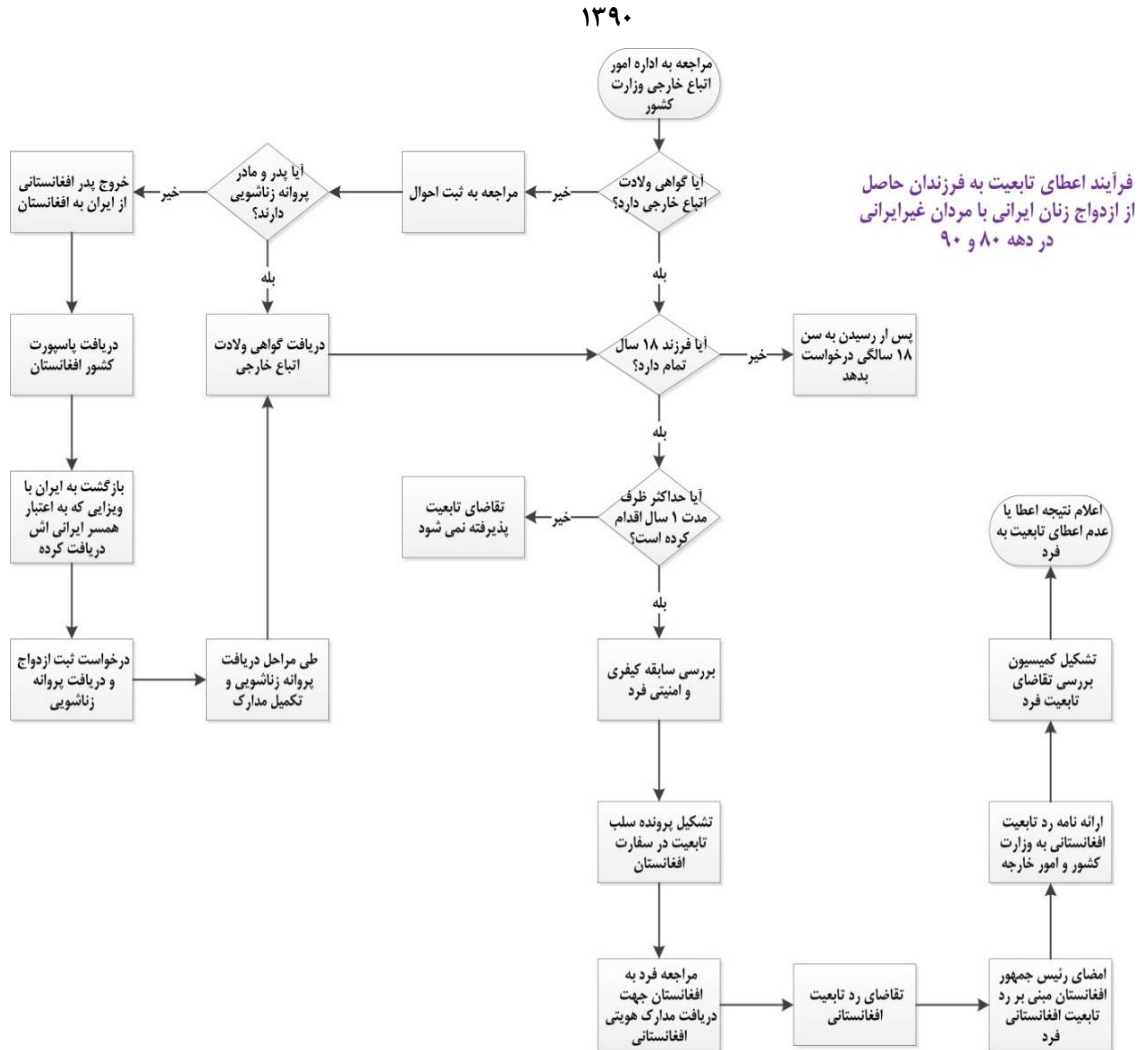




شکل ۳. فرایند اعطای تابعیت به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی از سال ۱۳۶۳ به بعد و دهه ۱۳۷۰



شکل ۴. فرایند اعطای تابعیت به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی در دهه ۱۳۸۰ و





پیوست ۳- ماده واحده تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی؛ مصوب سال ۱۳۸۵

فرزندان حاصل از ازدواج شرعی زنان ایرانی با مردان غیرایرانی که قبل یا بعد از تصویب این قانون متولد شده یا می شوند، قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام شمسی به درخواست مادر ایرانی در صورت نداشتن مشکل امنیتی (به تشخیص وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) به تابعیت ایران درمی آیند. فرزندان مذکور پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام شمسی در صورت عدم تقاضای مادر ایرانی، می توانند تابعیت ایرانی را تقاضا کنند که در صورت نداشتن مشکل امنیتی (به تشخیص وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) به تابعیت ایران پذیرفته می شوند. پاسخ به استعلام امنیتی باید حداکثر ظرف مدت ۳ ماه انجام شود و نیروی انتظامی نیز مکلف است، نسبت به صدور پروانه اقامت برای پدر غیرایرانی در صورت نداشتن مشکل امنیتی (به تشخیص وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) اقدام کند.

تبصره «۱»- در صورتی که پدر یا مادر متقاضی در قید حیات نبوده یا در دسترس نباشند، در صورت ابهام در احراز نسب متقاضی، احراز نسب با دادگاه صالح می باشد.

تبصره «۲»- افراد فاقد تابعیتی که خود و حداقل یکی از والدینشان در ایران متولد شده باشد، می توانند پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام شمسی، تابعیت ایرانی را تقاضا کنند که در صورت نداشتن سوء پیشینه کیفری و نیز نداشتن مشکل امنیتی (به تشخیص وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) به تابعیت ایران پذیرفته می شوند.

پیوست ۴- ماده واحده اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی؛ مصوب سال ۱۳۹۸

براساس ماده واحده این لایحه؛ فرزندان حاصل از ازدواج شرعی زنان ایرانی با مردان غیرایرانی که قبل یا بعد از تصویب این قانون متولد شده یا می شوند، قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام شمسی به درخواست مادر ایرانی در صورت نداشتن مشکل امنیتی (به تشخیص وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) به تابعیت ایران درمی آیند. فرزندان مذکور پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام شمسی در صورت عدم تقاضای مادر ایرانی، می توانند تابعیت ایرانی را تقاضا کنند که در صورت نداشتن مشکل امنیتی (به تشخیص وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) به تابعیت ایران پذیرفته می شوند. پاسخ به استعلام امنیتی، باید حداکثر ظرف مدت ۳ ماه انجام شود و نیروی انتظامی نیز مکلف است، نسبت به صدور پروانه اقامت برای پدر غیرایرانی در صورت نداشتن مشکل امنیتی (به تشخیص وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) اقدام کند.

تبصره «۱»- در صورتی که پدر یا مادر متقاضی در قید حیات نبوده یا در دسترس نباشند، در صورت ابهام در احراز نسب متقاضی، احراز نسب با دادگاه صالح می باشد.

تبصره «۲»- افراد فاقد تابعیتی که خود و حداقل یکی از والدینشان در ایران متولد شده باشد، می توانند پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام شمسی، تابعیت ایرانی را تقاضا کنند که در صورت نداشتن سوء پیشینه کیفری و نیز نداشتن مشکل امنیتی (به تشخیص وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) به تابعیت ایران پذیرفته می شوند.

پیوست ۵- آیین‌نامه اجرایی زناشویی بانوان ایرانی با اتباع بیگانه غیرایرانی در اجرای ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی و ماده (۱۷) قانون ازدواج؛ مصوب ۱۳۴۵/۷/۶ هیئت وزیران

ماده (۱)

به وزارت کشور اجازه داده می‌شود پروانه اجازه زناشویی بانوان ایرانی را با اتباع بیگانه با رعایت مقررات این آیین‌نامه صادر نماید.

ماده (۲)

برای صدور پروانه فوق، متقاضیان باید مدارک زیر را تهیه و تسلیم دارند:

۱. درخواست‌نامه مرد و زن مبنی بر تقاضای صدور پروانه اجازه زناشویی طبق نمونه وزارت کشور
۲. گواهی‌نامه از مرجع رسمی کشور متبوع مرد، مبنی بر بلامانع بودن ازدواج با زن ایرانی و به رسمیت شناختن ازدواج در کشور متبوع خود.
- در صورتی که تهیه گواهی‌نامه مذکور برای متقاضی امکانپذیر نباشد؛ وزارت کشور، می‌تواند بدون دریافت مدارک فوق در صورت رضایت زن، پروانه زناشویی را صادر نماید.
۳. در صورتی که مرد غیرمسلمان و زن مسلمان باشد، گواهی یا استشهاد تشریف مرد به دین مبین اسلام.

ماده (۳)

وزارت کشور در صورت تقاضای زن علاوه بر مدارک مذکور در ماده (۲)، مدارک زیر را نیز از مرد بیگانه مطالبه خواهد نمود:

۱. گواهی‌نامه مبنی بر اینکه مرد مجرد است یا متأهل از مرجع رسمی محلی یا مأموران سیاسی و کنسولی کشور متبوع مرد
 ۲. گواهی نداشتن پیشینه بد و محکومیت کیفری مرد از مراجع رسمی محلی یا مأموران سیاسی و کنسولی کشور متبوع مرد و همچنین گواهی عدم سوءپیشینه کیفری از مراجع کشور شاهنشاهی در صورتی که مرد بیگانه در ایران اقامت داشته باشد.
 ۳. گواهی از مراجع محلی یا مأموران سیاسی و کنسولی کشور متبوع مرد مبنی بر وجود استطاعت و مکنت زوج و همچنین تعهدنامه ثبتي از طرف مرد بیگانه مبنی بر اینکه متعهد شود هزینه و نفقه زن و اولاد و هرگونه حق دیگری که زن نسبت به او پیدا کند در صورت بدرفتاری یا ترک و طلاق پرداخت نماید.
- تبصره -** در مواردی که وزارت کشور مصلحت بداند برای حسن انجام وظایفی که طبق مقررات قوانین ایران زوج در قبال زوجه دارد از قبیل حسن رفتار و انفاق در تمام مدت زناشویی و اداره واجبات مالی زوجه و اولاد تحت حضانتش و امثال آن و همچنین در مواردی که تفریق پیش‌آید برای پرداخت هزینه مراجعت همسر مطلقه تا محل سکونت زن در ایران، می‌تواند تضمین مناسب از شوهر مطالبه نماید. فرم تعهدنامه و تضمینی که در این قبیل موارد باید اخذ شود و چگونگی استفاده از ضمانتنامه را وزارت کشور تهیه خواهد نمود (الحاقی ۱۳۴۹/۴/۲۰)

ماده (۴)

وزارت کشور می‌تواند به استانداری‌ها و فرمانداری‌های کل و همچنین با موافقت وزارت امور خارجه به بعضی از نمایندگان سیاسی و کنسولی شاهنشاهی در خارجه اختیار دهد که طبق مقررات این آیین‌نامه، پروانه اجازه زناشویی را مستقیماً در محل صادر نموده و مراتب را به ثبت‌احوال اعلام دارند.*

* فهرست اسامی کشورهایی که به موجب قوانین تابعیت آنها، تابعیت زوج به زوجه خارجی (ایرانی) تحمیل می‌شود:



۱. ایتوپی
۲. اسپانیا
۳. افغانستان
۴. ایتالیا؛ بر طبق ماده (۱۰) قانون تابعیت ایتالیا، زن خارجی تابعیت ایتالیایی شوهر خود را تحصیل می‌نماید مگر اینکه اقامتگاهش در خارج بوده یا به خارج انتقال دهد.
۵. بلژیک؛ به موجب قوانین بلژیک، تابعیت شوهران بلژیکی به بانوان خارجی که با آنان ازدواج می‌نمایند، تحمیل می‌گردد مگر اینکه ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ عقد ازدواج با تسلیم اظهارنامه، عدم پذیرش خود را اعلام دارد.
۶. بحرین: طبق ماده (۷) قانون تابعیت بحرین مصوب ۱۹۶۳، تابعیت شوهران بحرینی به بانوان خارجی تحمیل می‌شود (طبق رویه معموله، بانوان خارجی با موافقت مقامات امنیتی، می‌توانند پس از دو سال به تابعیت بحرین درآیند).
۷. سنگال: طبق ماده (۷) قانون تابعیت سنگال مصوب ۱۹۶۱، تابعیت شوهر سنگالی به زن خارجی تحمیل شود لیکن دولت مزبور حق دارد ظرف یک سال مخالفت خود را اعلام دارد.
۸. سوئیس
۹. سوازیلند
۱۰. عربستان سعودی؛ به موجب ماده (۶) قانون تابعیت عربستان سعودی، تابعیت شوهر تبعه آن کشور به زوجه بیگانه و پس از جلب موافقت وزارت کشور صورت گرفته و برای این‌گونه بانوان، پروانه اقامت صادر می‌شود.
۱۱. قطر: تاکنون قانون شیوخ‌نشین مزبور تنظیم نشده لیکن بر طبق رویه معموله، تابعیت شوهر تبعه قطر به بانوان خارجی تحمیل می‌شود (استثنا نیز مشاهده شده است).
۱۲. ویتنام؛ بر طبق ماده (۲۳) قانون تابعیت ویتنام، تابعیت آن کشور به زن خارجی تحمیل می‌شود مگر اینکه بر طبق ماده (۳۳) یا در حین انجام مراسم ازدواج، طی اظهاریه رسمی انصراف خود را از قبول تابعیت ویتنام ابراز دارد.
۱۳. یونان: به موجب بند «۱» ماده (۴) قانون تابعیت یونان مصوب سال ۱۹۵۵، زن خارجی که با مرد یونانی ازدواج می‌نماید، تابعیت آن کشور را تحصیل کرده مگر اینکه قبل از ازدواج، طی اظهارنامه رسمی، مراتب تمایزش را مبنی بر حفظ تابعیت اصلی اعلام نماید.

پیوست ۶- آیین‌نامه اجرایی قانون اعطای تابعیت ایران به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی؛ مصوب ۱۳ خرداد ۱۳۹۹ هیئت وزیران

ماده (۱)

در این آیین‌نامه، اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌روند:

۱. قانون؛ قانون اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی، مصوب ۱۳۹۸
۲. ازدواج شرعی؛ ازدواجی که مطابق قوانین ایران معتبر باشد، اعم از اینکه ثبت شده یا نشده باشد.
۳. پروانه اقامت؛ سندی که براساس قانون، راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران -مصوب ۱۳۱۰- و اصلاحات بعدی آن با مقررات ورود و اقامت اتباع خارجی در مناطق آزاد تجاری-صنعتی جمهوری اسلامی ایران صادر شده یا می‌شود.
۴. متقاضی؛ اشخاص زیر متقاضی تلقی می‌شوند:
 - الف) هر زن ایرانی که با مرد غیرایرانی ازدواج کرده و در نتیجه این ازدواج دارای فرزند زیر ۱۸ سال باشد.
 - ب) هر فردی که از مادر ایرانی و پدر غیرایرانی متولد شده و بیش از ۱۸ سال تمام داشته باشد.
۵. زن ایرانی؛ زنی که پیش از ولادت فرزند، مطابق قوانین و مقررات ایران دارای تابعیت ایرانی باشد و با مرد خارجی ازدواج کرده باشد.
۶. مرجع امنیتی؛ هر دو مرجع امنیتی مندرج در قانون.

ماده (۲)

ملاک ایرانی بودن مادر، اسناد سجلی او است.

ماده (۳)

ملاک ازدواج شرعی مادر ایرانی با پدر خارجی فرزند مشمول این قانون، عقدنامه رسمی یا هر سند معتبر قانونی مبنی بر وقوع نکاح یا صدور رأی قضایی (داخلی یا خارجی) مبنی بر وجود رابطه زوجیت او است.

تبصره «۱»- احراز وقوع ازدواج‌هایی که از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون تا زمان انتشار این آیین‌نامه در روزنامه رسمی صورت گرفته، موکول به ارائه عقدنامه رسمی یا حکم قطعی مرجع قضایی مبنی بر احراز وقوع نکاح شرعی است. در مورد ازدواج‌هایی که پس از انتشار این آیین‌نامه واقع می‌شوند، تنها ازدواج ثبت‌شده ملاک تأیید تابعیت فرزندان متولد از این ازدواج‌ها خواهد بود.

تبصره «۲»- صدور و اجرای حکم قطعی طلاق یا فسخ نکاح، مانع از رسیدگی به درخواست اعلام تابعیت ایرانی برای فرزندان حاصل از ازدواج منتهی به حکم طلاق نیست.

ماده (۴)

فوت مادر، پدر یا فرزند و حجر این افراد، با رعایت تبصره ماده (۱۱) این آیین‌نامه، مانع از درخواست اعلام تابعیت ایرانی برای فرزند نیست. در صورت فوت یا حجر مادر و نرسیدن فرزند به هجده سالگی، دادستان شهرستان محل اقامت فرزند پس از انجام تحقیقات و گردآوری مستندات و ادله، درخواست مورد نظر را به استانداری ارائه می‌کند.

تبصره «۱»- در صورت فوت یا حجر مادر یا حجر فرزند و وجود قیم منصوب یا قیم اتفاقی یا امین موقت موضوع ماده (۱۱۸۷) قانون مدنی، حسب مورد افراد مذکور درخواست و دلایل و مدارک را ارائه می‌کنند.

تبصره «۲»- اقامت فرزند در خارج از کشور مانع از رسیدگی به درخواست مربوط به وی نمی‌شود.

**ماده (۵)**

تعلق فرزند مشمول این قانون به مادر ایرانی به موجب گواهی معتبر بیمارستان یا گواهی هر یک از مراکز بهداشتی و درمانی ایرانی که فرزند در آنجا متولد شده و در صورت نبودن هریک از این گواهی‌ها یا تولد طفل در خارج از کشور به موجب رأی مرجع قضایی (داخلی یا خارجی) احراز می‌شود.

تبصره: تأیید تابعیت ایرانی فرزندان که در خارج از ایران از مادر ایرانی متولد شده‌اند یا تا زمان تقدیم درخواست موضوع این آیین‌نامه در ایران اقامت قانونی نداشته‌اند یا در زمان تقدیم درخواست قانوناً مقیم ایران نباشند براساس گواهی ثبت رسمی ازدواج پدر و مادر آنها، مطابق مقررات کشور محل تنظیم سند و رعایت قوانین و مقررات احوال شخصیه ایرانیان صورت می‌پذیرد.

ماده (۶)

صدور پروانه اقامت برای پدر غیرایرانی فرد مشمول قانون در صورت نداشتن مشکل امنیتی مشروط به تأیید و اعلام تابعیت ایرانی فرزند و درخواست کتبی وی برای اقامت در ایران براساس قوانین و مقررات مربوط صورت می‌گیرد.

تبصره: در صورتی که پدر غیرایرانی به موجب این قانون اجازه اقامت اخذ کند و پس از آن از زن ایرانی به واسطه صدور حکم طلاق یا فسخ نکاح یا هر طریقی که موجب مفارقت می‌شود، جدا شود اقامتی که بدین جهت تحصیل کرده لغو می‌شود.

ماده (۷)

در صورت اعلام صریح وجود مشکل امنیتی توسط مرجع امنیتی ظرف ۳ ماه، عدم موافقت به استناداری مربوط یا نمایندگی سیاسی و کنسولی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور اعلام می‌شود. پس از ابلاغ عدم موافقت توسط استناداری یا نمایندگی مذکور به متقاضی وی حق دارد ظرف یک سال از تاریخ ابلاغ نسبت به اعلام نظر مرجع امنیتی اعتراض کند. مرجع امنیتی پس از دریافت اعتراض دوباره به موضوع رسیدگی و حداکثر ظرف سه ماه اظهار نظر می‌کند.

ماده (۸)

متقاضی می‌تواند تنها در موارد غیرامنیتی تا یک سال پس از وصول پاسخ نهایی، درخواست تجدیدنظر خود را به استناداری یا نمایندگی سیاسی و کنسولی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور ارائه کند. تجدیدنظرخواهی براساس نوبت وصول در کمیسیون تابعیت وزارت کشور مطرح می‌شود. کمیسیون یاد شده موظف است طبق مقررات، حداکثر ظرف ۶ ماه درخواست را بررسی و تصمیم نهایی خود را به معترض ابلاغ کند.

ماده (۹)

برای شروع روند اعلام تابعیت، متقاضی موظف است درخواست کتبی یا الکترونیکی خود را با اطلاعات کامل و ارائه مستندات به استناداری محل تولد یا اقامت مادر ایرانی فرزند، ارائه کند. در این تقاضانامه، نام، نام خانوادگی، شغل، نشانی محل سکونت و محل کار، مشخصات و مدارک تابعیت پدر فرزند، مشخصات سجلی مادر فرزند و اطلاعات قابل ذکر هویتی فرزند بیان می‌شود.

تبصره ۱- در صورتی که پدر فرزند، مجهول‌المکان باشد یا محل سکونت شخصی مشخصی در ایران نداشته باشد یا فرزند با پدر خود زندگی نکند، مادر آخرین محل اقامت پدر فرزند در ایران یا محل آخرین سکونت مشترک خود با او را به مراجع مربوطه اعلام می‌کند.

تبصره ۲- فرزندان بالاتر از هجده سال شمسی که پیش از رسیدن به این سن، سابقه درخواست اعلام تابعیت ایرانی ندارند یا پس از جریان یافتن درخواست مادر به سن مذکور رسیده‌اند، حق دارند درخواست

خود را ارائه یا پیگیری کنند. در صورت جریان یافتن پرونده به درخواست مادر فرزندان یاد شده، ادامه پیگیری از طریق خود فرزند صورت می‌پذیرد. تعیین سن این افراد برعهده استانداری یا مرجع صالح رسیدگی است و این مراجع می‌توانند هرگونه تحقیق لازم از قبیل اخذ نظر پزشکی قانونی را انجام دهند.

ماده (۱۰)

استانداری محل تولد یا اقامت زن ایرانی مدارک هویتی را جهت بررسی و تعیین اصالت مدارک و انجام استعلامات مربوط دریافت می‌کند.

تبصره «۱»- اداره کل ثبت‌احوال استان مربوط موظف است در صورت عدم احراز اصالت مدارک توسط اداره ثبت‌احوال محل تولد زن ایرانی، مراتب را با ذکر دلایل و نواقص پرونده از طریق استانداری به اطلاع متقاضی برساند. متقاضی که درخواست وی در مرحله بررسی اولیه رد شده باشد، می‌تواند نسبت به تکمیل پرونده اقدام و پس از رفع نواقص دوباره بررسی پرونده را درخواست کند.

تبصره «۲»- در صورت اعتراض به اعلام اداره ثبت‌احوال نسبت به پرونده کامل و نهایی شده از سوی متقاضی، متقاضی می‌تواند ظرف یک سال اعتراض خود را به استانداری مربوطه تسلیم کند.

ماده (۱۱)

ایرانی بودن مادر، ازدواج وی با مرد غیرایرانی و تعلق فرزند به مادر و حصول آن از ازدواج مذکور برای اعلام تابعیت فرزند توسط استانداری ضروری است و ارائه اسناد و دلایل مربوط به این موارد بر هده متقاضی و احراز اصالت این موارد برعهده استانداری‌های سراسر کشور است. در مورد اسناد سجلی نظر اداره ثبت‌احوال ملاک است.

تبصره- در صورت فوت مادر، پدر یا فرزند در زمان ارائه درخواست یا پس از آن، ادامه رسیدگی به پرونده در استانداری موقوف به احراز نسب فرزند با پدر و مادر در مرجع قضایی است. پس از ارائه حکم قطعی مرجع قضایی، مرجع رسیدگی‌کننده براساس مقررات به رسیدگی خود ادامه می‌دهد.

ماده (۱۲)

استانداری پس از تأیید صحت موارد فوق، موظف است وجود یا فقدان مشکل امنیتی را از مرجع امنیتی استعلام کند، مرجع امنیتی باید حداکثر ظرف ۳ ماه نظر خود را جهت اعلام تابعیت ایرانی صریحاً به استانداری اعلام کند.

تبصره- بررسی، احراز و اعلام وجود مشکل امنیتی در مرجع امنیتی براساس دلایل و مستندات فنی، امنیتی و اطلاعاتی قطعی و موجود در رابطه با متقاضی صورت می‌گیرد.

ماده (۱۳)

عدم ارسال پاسخ روشن ظرف ۳ ماه توسط مرجع امنیتی به منزله فقدان مشکل امنیتی تلقی می‌شود و در این صورت و در فرض اعلام رسمی فقدان مشکل امنیتی، اداره ثبت‌احوال محل تولد مادر ایرانی، موظف به صدور کارت ملی و شناسنامه برای فرد مورد نظر است. در صورت اعلام صریح وجود مشکل امنیتی از سوی مراجع مذکور، رد درخواست توسط استانداری به متقاضی ابلاغ می‌شود. این تصمیم ظرف یک سال از تاریخ ابلاغ آن به متقاضی در کمیسیون تابعیت وزارت کشور قابل تجدیدنظرخواهی است. این کمیسیون، موظف است ظرف ۶ ماه درخصوص این درخواست، تصمیم‌گیری نهایی و نتیجه را با در نظر گرفتن نظر مرجع امنیتی به متقاضی ابلاغ کند.

**ماده (۱۴)**

در صورت موافقت با درخواست اعلام تابعیت برای فرزند متولد از مادر ایرانی، نتیجه جهت صدور پروانه اقامت پدر توسط استانداری به اطلاع نیروی انتظامی محل اقامت مادر ایرانی می‌رسد. صدور پروانه اقامت مذکور موکول به درخواست کتبی پدر است.

ماده (۱۵)

متقاضی خارج از کشور جهت ارائه درخواست اعلام تابعیت و تشکیل پرونده به نمایندگی سیاسی و کنسولی جمهوری اسلامی ایران در کشور محل سکونت مادر ایرانی مراجعه می‌کند. احراز اصالت مدارک ارائه شده از جمله اسناد مربوط به مادر ایرانی، ازدواج وی با مرد غیرایرانی و تعلق فرزند به مادر به عهده نمایندگی مذکور است.

ماده (۱۶)

نمایندگی سیاسی و کنسولی جمهوری اسلامی ایران، موظف است در صورت نقص مدارک، مراتب را با ذکر دلایل و نواقص پرونده به اطلاع متقاضی برساند. متقاضی که درخواست وی در مرحله بررسی اولیه رد شده است، می‌تواند نسبت به تکمیل پرونده اقدام و پس از رفع نواقص دوباره بررسی پرونده را درخواست کند. در صورت اعتراض به تصمیم نهایی، نمایندگی متقاضی، می‌تواند ظرف یک سال مراتب تجدیدنظرخواهی خود را به نمایندگی منعکس کند تا پرونده جهت بررسی به کمیسیون تابعیت وزارت کشور ارسال شود. ترتیب رسیدگی این کمیسیون به شرح مواد (۸) و (۱۳) این آیین‌نامه است.

ماده (۱۷)

در صورت تأیید مدارک، نمایندگی سیاسی و کنسولی جمهوری اسلامی ایران، موظف است پرونده متقاضی را برای دریافت مجوز صدور شناسنامه و کارت ملی به وزارت امور خارجه و سازمان ثبت احوال کشور ارسال کند.

ماده (۱۸)

وزارت امور خارجه موظف است پس از ارسال پرونده توسط نمایندگی سیاسی و کنسولی جمهوری اسلامی ایران در خصوص وجود یا عدم وجود مشکل امنیتی درباره فرد مورد نظر از وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، استعلام کند. این دو مرجع طبق ترتیبات مقرر در ماده (۷) این آیین‌نامه بررسی و صریحاً اعلام نظر می‌کنند.

ماده (۱۹)

پس از تکمیل پرونده و احراز فقدان مشکل امنیتی، وزارت امور خارجه مراتب را به نمایندگی سیاسی و کنسولی جمهوری اسلامی ایران در کشور محل اقامت مادر ایرانی اعلام می‌کند تا نسبت به صدور شناسنامه و کارت ملی برای متقاضی اقدام شود.

ماده (۲۰)

در صورتی که پدر غیرایرانی تمایل به اقامت در ایران داشته باشد، می‌تواند با مراجعه به نمایندگی سیاسی و کنسولی جمهوری اسلامی ایران در کشور محل اقامت مادر ایرانی، صدور روادید ایرانی را برای خود درخواست کند. پدر غیرایرانی در صورت ورود به کشور، می‌تواند از طریق نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، صدور سند اقامت برای خود را درخواست کند.

ماده (۲۱)

فرزندان موضوع قانون و این آیین‌نامه، پس از طی روند مقرر در آیین‌نامه و از زمان تأیید تابعیت ایرانی آنان، از حقوق و تکالیف اتباع ایران برخوردار هستند.

ماده (۲۲)

درخواست‌هایی که قبل از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این آیین‌نامه برای اعلام تابعیت فرزندان موضوع قانون ارائه شده‌اند پس از رفع نقص احتمالی و انطباق با شرایط این آیین‌نامه مورد رسیدگی قرار می‌گیرند.

ماده (۲۳)

در صورت احراز تقلب یا رفتار غیرقانونی شخص یا اشخاص در ارائه دلایل و مستندات به‌منظور استفاده از مزایای قانون، استناداری حسب مورد ضمن توقف یا پایان دادن به رسیدگی خود، براساس احکام قانونی مربوط علیه اشخاص مذکور، طرح دعوا می‌کند. در این صورت مرجع قضایی صالح، حسب مورد براساس قوانین حاکم بر رفتار مرتکب یا مرتکبان، آنها را مجازات می‌کند. در صورتی که اعلام تابعیت فرزند ناشی از ازدواج زن ایرانی با مرد غیرایرانی براساس اسناد یا دلایل خلاف واقع یا نامعتبر صورت گرفته باشد، تابعیت اعلامی و اسناد صادرشده براساس آن با تصمیم استناداری مربوط ملغی اعلام و مراتب به اشخاص مرتبط ابلاغ می‌شود. در صورت بی‌تأثیر بودن رفتار مذکور در اعلام تابعیت رسیدگی به درخواست تا اتخاذ تصمیم نهایی در استناداری براساس مقررات این آیین‌نامه ادامه می‌یابد.

ماده (۲۴)

این آیین‌نامه از زمان تصویب لازم‌الاجراست.

منابع و مأخذ

۱. آیین‌نامه رویه شناسایی مشکوک‌التابعین و مدعیان تابعیت ایران، مصوب ۱۱ فروردین ۱۳۸۳ هیئت وزیران.
۲. بنی‌یعقوب، ژیلا. افسوس برای نرگس‌های افغانستان (سفر به نیمروز، کابل، دره پنجشیر، هرات)، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۹۴.
۳. بی‌نا. «کودکان بی‌شناسنامه، چالش طرح ساماندهی اتباع خارجی»، روزنامه نوز، ص ۱۳، ۷ مرداد ۱۳۸۰.
۴. تیم ارتقای عملکرد دفتر مطالعات رفاه اجتماعی معاونت رفاه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، بررسی وضعیت خانوارهای زنان دارای همسر خارجی (گزارشی بر اطلاعات دموگرافیک و پوشش‌های حمایتی خانوارهای زنان دارای همسر خارجی)، تهران، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۷.
۵. معاونت رفاه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و گروه پژوهش انجمن، برزخ بی‌هویتی در سرزمین مادری، تهران، مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه، ۱۳۹۹.
۶. حقیقت‌طلب، پیمان و محسن، شهرابی‌فراهانی. «فرزندان حاصل از ازدواج بانوان ایرانی با اتباع خارجی: بررسی مشکلات، مسائل و ارائه راهکارها»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی، دفتر مطالعات سیاسی، ۱۳۹۷.
۷. خبرگزاری برنا (۱۴۰۰/۰۳/۰۳)، «۱۴۵۰ شناسنامه برای فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با اتباع تحویل داده شده است/۹۰ هزار نفر پیش‌ثبت‌نام کردند/از زمان تشکیل پرونده تا استعلام و صدور شناسنامه ۳ ماه زمان لازم است»، کد خبر: ۱۱۸۲۸۲۲ قابل دستیابی در سایت: <https://www.borna.news/fa/tiny/news-1182822>
۸. دفتر مطالعات فرهنگی کمیته زنان مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، «قوانین، طرح‌ها و لوایح مربوط به زنان و خانواده در مجلس ششم»، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲.



[/http://diaran.ir](http://diaran.ir)

۹. سایت انجمن دیاران به منظور آشنایی بیشتر:

۱۰. مرکز ملی آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن سال، ۱۳۹۵.

۱۱. نیسی، ماجد. مستند گیسوی آشفته من، ۱۳۸۴.

۱۲. خبرگزاری فارس. (۱۷ مهر ۱۴۰۰)؛ سرگردانی ۱۱۰۰۰ متقاضی شناسنامه ایرانی در خراسان رضوی، کد

<https://b2n.ir/d24206>

خبر: ۷۰۰۷۴، قابل دستیابی در سایت:

13. Ray Wilkinson. (1997). Refugees Magazine Issue 108 (Afghanistan : the unending crisis) - An Iranian Surprise

14. <https://www.unhcr.org/publications/refugeemag/3b6814092/refugees-magazine-issue-108-afghanistan-unending-crisis-iranian-surprise.html>

15. Macrotrends, (2021); Iran Refugee Statistics 1962-2021, <https://www.macrotrends.net/countries/IRN/iran/refugee-statistics>

